

تاریخ پذیرش: ۹۵/۰۹/۰۵

تاریخ دریافت: ۹۵/۰۷/۱۵

نقش ترکیه در بحران سوریه و تأثیر آن بر امنیت ملی خارجی جمهوری اسلامی ایران

جمشید شریفیان^۱

حسین عبدالله پور^۲

مجتبی درفشان^۳

چکیده

در دهه اخیر کشورهای غرب آسیا با چالش‌های امنیتی و نظامی پیچیده‌ای روبه‌رو بوده است. آمریکا و متحدانش راهبردهای خود در غرب آسیا را به صورت‌های مختلف پیگیری نموده‌اند. بی‌ثبات‌سازی محیط امنیتی پیرامونی رژیم صهیونیستی از مهم‌ترین اهداف برای آمریکا بوده است. راهبرد آمریکا و غرب برای تولید بحران داخلی و بی‌ثباتی در سوریه متناسب با تحولات غرب آسیا برای تأثیرگذاری بر محور مقاومت از سال ۱۳۹۰ آغاز شد و در این راستا کشورهایی همچون ترکیه، قطر و عربستان سعودی همراه آمریکا و غرب در بحران سوریه مداخله کرده و حمایت‌های مالی و تسلیحاتی از مخالفین سوریه به عمل آورده‌اند. این مقاله به بررسی نقش ترکیه در بحران سوریه بر مبنای نظریه واقع‌گرایی تهاجمی پرداخته و به این فرضیه رسیده است که تداوم این نقش علاوه بر تأثیرگذاری بر روابط دوجانبه ترکیه و ایران، امنیت ملی خارجی ایران شامل مقاومت اسلامی، نفوذ و قدرت منطقه‌ای، عمق راهبردی و امنیت نظامی ج.ا.ایران را تهدید می‌کند. مقاله با روش تحقیق توصیفی-تحلیلی و روش گردآوری کتابخانه‌ای است و با طرح عوامل داخلی و خارجی بحران سوریه و کمک‌های آموزشی و تسلیحاتی ترکیه برای مخالفان سوریه و سیاست خارجی ایران و ترکیه، آثار این بحران را بر امنیت ملی خارجی کشورمان تحلیل کرده است.

واژگان کلیدی: بحران سوریه، روابط ایران و ترکیه، امنیت ملی خارجی ج.ا.ایران، عمق راهبردی

۱. استادیار روابط بین الملل دانشکده علوم و فنون فارابی، نویسنده مسئول، (jam_sharifian@yahoo.com)

۲. کارشناسی ارشد علوم سیاسی (comabdolhahpour93@gmail.com)

۳. عضو هیئت علمی دانشکده علوم و فنون فارابی (Mojtaba.dn90@chmail.com)

مقدمه

ترکیه که در طول یک دهه اخیر به بازیگری مهم در تحولات و معادلات خاورمیانه یا غرب آسیا تبدیل شده است، در جریان تحولات سوریه، منافع و اهداف بازیگران مختلف منطقه‌ای و قدرت‌های بزرگ در این حوزه‌ها را لحاظ نموده است که این موضوع با منافع منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران در تقابل قرار گرفته است؛ به گونه‌ای که با تأثیرگذاری بر روابط دوجانبه تا حدی نیز روابط گرم سیاسی اقتصادی گذشته را کاهش داده است. ایران شکل‌گیری محور مقاومت ضد صهیونیستی در خاورمیانه را که سوریه بازیگر کانونی آن محسوب می‌شود، از مهم‌ترین دستاوردهای خود در عرصه سیاست منطقه‌ای می‌داند. این محور ضمن ایجاد ابزارها و توانمندی‌های لازم برای بازیگری و نقش‌آفرینی گسترده‌تر ایران در عرصه منطقه‌ای، حتی نقشی بازدارنده در مقابل تهدیدات امنیتی بازیگران رقیب و متخاصم علیه ایران از جمله آمریکا و رژیم صهیونیستی نیز دارد.

با توجه به سابقه تاریخی و اهمیت استراتژیکی و راهبردی کشور سوریه در خط مقدم جبهه مبارزه با رژیم صهیونیستی، ریشه‌یابی بحران سوریه و نقش ترکیه به عنوان یکی از عوامل تأثیرگذار در این بحران و همکاری‌های نظامی و دفاعی ترکیه با قدرت‌های فرامنطقه‌ای برای مداخله در سوریه و تأثیر این دخالت بر امنیت ملی خارجی ج.ا. ایران و راهکارهایی که می‌توان در این راستا اتخاذ نمود عرصه تحقیق است؛ از این رو هرگونه همکاری، مشارکت ترکیه با غرب در راستای سرنگونی دولت سوریه از منظر دفاعی برای جمهوری اسلامی ایران حائز اهمیت است و می‌تواند زمینه‌ساز اقدامات پیشگیرانه را فراهم سازد.

بیان مسئله

حزب عدالت و توسعه در حالی در ترکیه به قدرت رسید که نخبگان جدید حاکم در این کشور رویکرد متفاوتی در سیاست داخلی و خارجی ترکیه اتخاذ کردند. در این چهارچوب، در عرصه داخلی تغییر قانون اساسی ترکیه و کاستن از نقش و نفوذ نظامیان در سیاست و حل مسئله کردهای ترکیه بر اساس گفت‌وگو در اولویت قرار گرفت. در عرصه خارجی نیز تنش‌زدایی با همسایگان، تثبیت و تقویت روابط دوجانبه و چندجانبه با دولت‌ها و بازیگران منطقه‌ای به اولویت سیاست خارجی ترکیه تبدیل شد. طرح مفهوم «تنش صفر با همسایگان»

نشان از عزم این کشور بر همگرایی‌های منطقه‌ای داشت. سیاستمداران ترک با طرح موضوعاتی چون «مدل ترکیه» و تلاش در راستای تبدیل استانبول به مکانی برای «میانجیگری بین‌المللی» سیاستی را در پیش گرفتند که هدف آن دستیابی ترکیه به جایگاه قدرت برتر منطقه‌ای است. اما سیاست‌های نوین ترکیه که عمدتاً با منافع ایالات متحده هم‌پوشانی دارد، نه تنها موضوع تنش‌زدایی را بی‌معنا ساخته که موجب مداخله ترکیه در امور داخلی کشورهای منطقه شده است.

روابط ترکیه و سوریه شاهد تنش‌هایی در مراحل مختلف طی چهار دهه گذشته بوده است، اما هیچ‌گاه این تنش‌ها به مرحله بحرانی کنونی نرسیده بود. حمایت سوریه از چریک‌های جدائی طلب حزب کارگران کردستان (پ.ک.ک) و وجود اردوگاه‌های آموزشی این حزب و همچنین حضور عبدا... اوجالان، رهبر (پ.ک.ک) در سوریه در دهه ۸۰، اختلافات دو کشور بر سر آب رودخانه فرات، مشکلات امنیت مرزی و ادعای ارضی سوریه بر استان‌های (انطاکیه) در ترکیه از مهم‌ترین مسائل در روابط دو کشور در دهه‌های اخیر بوده است.

ترکیه در قبال بحران سوریه برآن است با اتخاذ مواضع سخت‌گیرانه و تهاجمی‌تر که هم‌پوشانی بیشتری با سیاست‌های کشورهای غربی دارد، از شرایط ایجاد شده در راستای تأمین منافع و امنیت خود استفاده نماید. مواضع ترکیه در نقطه مقابل سیاست‌های ج.ا. ایران در رابطه با سوریه قرار گرفته و در راستای مواضع و اهداف قدرت‌های فرامنطقه‌ای و به پیروی آن اهداف و منافع رژیم صهیونیستی بوده و این امر در روابط ایران و ترکیه تأثیرگذار است.

همراهی ترکیه با غرب برای تغییر رژیم بشار اسد در سوریه به‌عنوان خط مقدم جبهه ضد صهیونیستی نوعی زنگ خطر برای ج.ا. بوده تا همواره فعالیت‌های همسایه غربی خود را نظارت نماید و تبعات امنیتی آن را از نظر نظامی و سیاسی کنکاش و تجزیه و تحلیل نماید. ترکیه در تقویت راه‌حل غربی خواهان تغییر رژیم در سوریه است و غرب علاقه‌مند است که نقش ترکیه را بیشتر در قالب مدل منطقه‌ای و پر کردن خلاء قدرت تقویت کند، به‌طوری‌که دخالت ترکیه در سوریه، روابط ایران و ترکیه را دچار چالش کرده است. بنابراین مسئله مقاله این است که نقش ترکیه در قبال تحولات سوریه و تأثیرات آن بر امنیت ملی خارجی ج.ا. ایران را بررسی نماید.

اهمیت و ضرورت

تحولات سوریه منافع و اهداف بازیگران مختلف منطقه‌ای و قدرت‌های بزرگ در این حوزه‌ها را در خود لحاظ نموده است که این موضوع با منافع منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران در تقابل قرار گرفته است؛ سوریه مهم‌ترین حوزه‌ای است که رویکرد ترکیه عملاً در تقابل با منافع منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران قرار دارد و بیشتر در جهت تسریع و تشدید بحران و در قالب نیابت و نمایندگی اهداف و منافع غرب در قبال سوریه قلمداد می‌شود؛ از این‌رو رویکرد ترکیه در قبال سوریه به تشدید فشارها علیه این‌کشور و در نتیجه بر ایران منجر می‌شود. بنابراین ضروری است که نقش ترکیه در بحران سوریه بررسی شود تا پیامدهای منفی آن بر امنیت ملی خارجی ایران مشخص شود.

ایران شکل‌گیری محور مقاومت ضد صهیونیستی در خاورمیانه را که سوریه بازیگر کانونی آن محسوب می‌شود، از مهم‌ترین دستاوردهای خود در عرصه سیاست منطقه‌ای می‌داند. این محور ضمن ایجاد ابزارها و توانمندی‌های لازم برای بازیگری و نقش‌آفرینی گسترده‌تر ایران در عرصه منطقه‌ای، حتی نقشی بازدارنده در مقابل تهدیدات امنیتی بازیگران رقیب و متخاصم علیه ایران از جمله آمریکا و رژیم صهیونیستی نیز دارد. جمهوری اسلامی ایران منافع راهبردی خود را در سوریه درگذار مسالمت‌آمیز حکومت بشار اسد از بحران کنونی و بقای آن، ضمن پایبندی به محور مقاومت تعریف می‌کند. از طرف دیگر این تحقیق به کارشناسان و تحلیل‌گران در مراکز فکری و تصمیم‌ساز کشور این امکان را می‌دهد تا بررسی‌های دقیق‌تری از الگوی رفتاری ترکیه در این تحولات داشته و تصمیم‌گیری نمایند و روند تحولات را به سمت منافع ملی کشور تغییر داده و عمق راهبردی و امنیت ملی خارجی ج.ا. ایران را حفظ کنند. براین اساس، تحولات سوریه با توجه به جایگاه استراتژیک آن در محور مقاومت، در مقایسه با تحولات سایر کشورها اهمیت بسیار بیشتری برای ایران دارد.

اهداف، سؤالات و فرضیه‌ها

هدف اصلی مقاله شناخت نقش ترکیه در بحران سوریه و تأثیر آن بر امنیت ملی خارجی ج.ا. ایران است.

اهداف فرعی مقاله به شرح زیر است:

الف) بررسی عوامل مؤثر در روند بحران سوریه
 ب) نحوه حمایت دولت ترکیه از مخالفین دولت سوریه
 پ) بررسی سیاست خارجی متقابل ترکیه و ایران در بحران سوریه
 ت) بررسی تأثیرات بحران سوریه بر امنیت ملی خارجی ج.ا. ایران
 سؤال اصلی؛ نقش ترکیه در بحران سوریه چه تأثیری بر امنیت ملی خارجی ج.ا. ایران دارد؟
 سؤالات فرعی مقاله نیز عبارت است از:

الف) عوامل مؤثر در روند بحران سوریه چه بود؟
 ب) چگونه دولت ترکیه از مخالفین دولت سوریه حمایت می‌کند؟
 پ) سیاست خارجی متقابل ترکیه و ایران در بحران سوریه چیست؟
 ت) تأثیرات بحران سوریه بر امنیت ملی خارجی ج.ا. ایران کدامند؟
 فرضیه اصلی نیز عبارت است از؛ ترکیه نقش اصلی حمایت از مخالفین مسلح دولت سوریه با هدف براندازی حکومت بشار اسد را دنبال می‌کند و تداوم آن علاوه بر تأثیرگذاری بر روابط دوجانبه ترکیه و ایران، امنیت ملی خارجی ج.ا. ایران شامل مقاومت اسلامی، نفوذ و قدرت منطقه‌ای، عمق راهبردی و امنیت نظامی ج.ا. ایران را تهدید می‌کند.
 فرضیه‌های فرعی هم عبارتند از:

- ۱- بحران سوریه ناشی از عوامل داخلی مانند رکود سیاسی و اقتصادی و عوامل خارجی همچون بهار عربی و دخالت کشورهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای است.
- ۲- دولت ترکیه با میزبانی از گروه‌های مخالف سوریه، سازماندهی و آموزش، تأمین تسلیحات و واگذاری پایگاه به آنها و همراهی با غرب، از مخالفین دولت سوریه حمایت کرده است.
- ۳- بحران سوریه موجب تقابل سیاست خارجی ایران و ترکیه در جبهه‌بندی جدید و تضعیف همکاری‌ها در حوزه نفوذ دو کشور در منطقه شده است.

۴- نقش ترکیه در بحران سوریه باعث تهدید محور مقاومت اسلامی ضد صهیونیستی، تضعیف عمق راهبردی و قدرت منطقه‌ای و تهدید امنیت نظامی ج.ا. ایران در چهارچوب امنیت ملی خارجی ایران شده است.

روش تحقیق و گردآوری اطلاعات

این تحقیق از نظر نوع کاربردی است و با روش توصیفی - تحلیلی بدون دستکاری متغیرها و توصیف عینی و منظم وضعیت موجود و با روش گردآوری کتابخانه‌ای، اطلاعات آن را از کتب، اسناد و مدارک موجود و سایت‌های داخلی و خارجی در مراکز مطالعاتی جمع‌آوری کرده است و ضمن توصیف نقش ترکیه در سوریه، آثار آن را بر امنیت ملی خارجی ایران مورد تجزیه و تحلیل قرار داده است.

پیشینه

با توجه به نبودن موضوع در زمینه نقش ترکیه در بحران سوریه و تأثیر آن بر امنیت ملی خارجی جمهوری اسلامی ایران، کتابی منتشر نشده است؛ اما مقالاتی با موضوع نقش ترکیه در سوریه و منطقه تدوین گردیده است که در تهیه مقاله استفاده شده است و نتایج برخی از آنها در زیر می‌آید.

۱. نقش ترکیه در قبال بحران خاورمیانه با تأکید بر بحران سوریه که توسط آقای ناصر بیات در فصلنامه رهنما سیاست‌گذاری سال ۱۳۹۰ تدوین شده است. نویسنده معتقد است مواضع سیاست خارجی کشور ترکیه در قبال تحولات داخلی سوریه متفاوت با سایر تحولات منطقه جنوب غرب آسیا است.

این مواضع با ادعای حمایت از حقوق بشر، اصلاحات و مردم‌سالاری در راستای بهره‌برداری از وضعیت داخلی کشور سوریه، کسب منافع سیاسی هر چه بیشتر، پیشی‌گرفتن از قدرت‌های منطقه‌ای مانند ایران بر سر اتخاذ مواضع سیاسی در راستای کسب منافع ملی اتخاذ می‌شود.

۲. اهداف و چالش‌های راهبردی ترکیه در تحولات سوریه که توسط آقای رحمت‌الله فلاح در اهداف و چالش‌های راهبردی ترکیه در سوریه سال ۱۳۹۰ تهیه گردیده است. وی اعلام می‌کند ترکیه در برخورد افراطی با تحولات سوریه به دنبال اهدافی همچون:

الف- حفظ روابط راهبردی با آمریکا،

ب- ایفای نقش فعال در خاورمیانه و تبدیل شدن به الگو در این منطقه در چهارچوب تلفیق دین با دموکراسی،

ج- تلاش برای احیای نقش تاریخی در بالکان، قفقاز و آسیای مرکزی،

د- فرصت‌سازی از بحران‌های منطقه (نقش میانجی) برای تقویت،

ه- خط‌مشی کنش‌گرایانه در سیاست خارجی

و- استفاده از نهادهای مدنی و سازمان‌های غیردولتی تجاری در سیاست خارجی.

ترک‌ها غافل از جایگاه جغرافیایستی و جغرافیایستی (ژئو استراتژیک) سوریه در معادلات امنیتی و رقابتی خاورمیانه و همچنین اتصال جغرافیایستی و جغرافیای انسانی آن با ترکیه، از ابتدای ناآرامی‌های داخلی سوریه، سیاست همسو با غرب را برگزیدند و در نتیجه با سد امنیتی- سیاسی روسیه، ایران، جریان‌های مقاومت منطقه (با محوریت جمهوری اسلامی ایران) و نیز در داخل ترکیه با جامعه علوی، کردها، اسلام‌گرایان محافظه‌کار از جمله حزب سعادت و... مواجه شده‌اند.

۳. بحران سوریه، تغییر موازنه و روند آن که توسط محمد احدی در سال ۱۳۹۲ در فصلنامه نگاه ۲ تدوین شده به این نتیجه رسیده است:

دولت ترکیه با اتخاذ سیاست اشتباه در مورد سوریه، بدون تردید و در هر صورتی بیشترین آسیب را از تحولات در سوریه متحمل شده و خواهد شد. پیش‌بینی هر سناریوی احتمالی برای آینده سوریه که منجر به تجزیه آن شود، ترکیه از آن متضرر خواهد شد.

۴. سیاست خارجی ترکیه در قبال بحران سوریه و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران که توسط سید علیرضا عزیزموسوی و روح‌الله شکری در سال ۱۳۹۴ در اولین کنفرانس بین‌المللی نقش مدیریت انقلاب اسلامی در هندسه قدرت نظام جهانی منتشر شده است.

مقاله به این نتیجه رسیده است: سیاست خارجی ترکیه در قبال بحران سوریه باعث کاهش ضریب امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران شده است. سیاست خارجی ترکیه در قبال این بحران‌ها از میانجیگری تا مداخله در نوسان بوده است. به طوری که با فاصله گرفتن از سیاست میانجیگری، به صورت علنی از مخالفان نظام سیاسی سوریه حمایت کرده و خواهان تغییر نظام سیاسی در سوریه شد تا به اهداف خود یعنی به دست گرفتن رهبری جهان اسلام و تضعیف جایگاه ایران از لحاظ جهان بینی در منطقه و کاهش ضریب امنیتی ایران دست یابد.

محمد بهرامی (۱۳۹۰) در مقاله نقش ترکیه در تحولات خاورمیانه و سوریه و کیهان برزگر (۱۳۹۲) در مقاله بررسی روابط ایران و ترکیه در پرتو تحولات جهان عرب و ابراهیم متقی (۱۳۹۲) در مقاله تأثیرات تحولات سوریه بر موازنه قدرت و جایگاه منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران و خانم ریحانه عالم در مقاله جایگاه خاورمیانه در سیاست خارجی ترکیه و سید رضی عمادی (۱۳۹۴) در مقاله علل و پیامدهای سیاست منطقه‌ای تنش‌آمیز ترکیه و آقای امیر احمدیان در مقاله نقش تأثیرگذار ترکیه در تحولات خاورمیانه نقش ترکیه را در سوریه از جنبه‌های مختلف بررسی کرده‌اند ولی به تأثیر آن بر امنیت ملی خارجی ج.ا. ایران نپرداخته‌اند.

مفاهیم و مبانی نظری

امنیت ملی خارجی: اگر امنیت ملی را به معنای حفظ و دفاع از منافع ملی در برابر تهدیدات و نفوذ و سلطه دشمنان و بیگانگان بدانیم از دو بعد کاملاً به هم پیوسته امنیت داخلی و امنیت خارجی تشکیل شده است که قسیم آنها مرزهای جغرافیایی کشورها است. جنبه داخلی امنیت ملی، امنیت یک ملت در مقابل تهدیدهای پیدا و پنهان در درون مرزهای ملی را شامل می‌شود. جنبه خارجی امنیت ملی نیز به تهدیدهای برون مرزی علیه یک دولت مربوط می‌شود که دارای ابعاد سیاسی (انزوا و اعمال فشارهای سیاسی)، نظامی (حمله نظامی یا تهدید به حمله، تقویت بنیه نظامی دشمن)، اقتصادی (مانند تحریم‌های اقتصادی) و فرهنگی و اجتماعی است (مرادیان، ۱۳۹۱: ۳۳).

امنیت نظامی: امنیت نظامی ناظر بر قابلیت و توانایی نیروهای مسلح برای حفاظت از ملت، دولت و ارزش‌های اساسی و حیاتی آنها در برابر تهدید و تهاجم نظامی خارجی است. امنیت

نظامی اصلی ترین عنصر امنیت ملی محسوب می گردد. در واقع عنصر نظامی گری معیار نهایی است تا به وسیله آن میزان کل پتانسیل اقتدار و توان (حفظ) امنیت ملی سنجیده شده مورد قضاوت قرار گیرد (مرادیان، ۱۳۸۶: ۳۴).

نظریه واقع گرایی تهاجمی: در بین نظریه پردازان روابط بین الملل، موضوع دیپلماسی اجبار در سیاست بین الملل را به مفهوم گزینه جانشین اقدامات نظامی می دانند. اکسلرد^۱ بر این اعتقاد است که اگر در فرآیند سیاست بین الملل کشورها حاضر به پذیرش دیپلماسی اجبار یا متقاعدسازی از طریق ابزارهای اجبارآمیز نگردند؛ در آن شرایط، زمینه برای شکل گیری جنگ به وجود می آید. به این ترتیب، دیپلماسی اجبار به منزله استفاده از ابزارهای دیپلماتیک و صلح جویانه برای تحقق اهداف راهبردی است. اهدافی که اگر مورد توجه بازیگر هدف قرار نگیرد، کشورهایی که از قدرت ساختاری در سیاست بین الملل برخوردارند، به اقدامات مسلحانه مبادرت می نمایند. بر اساس رویکرد رابرت اکسلرد، اگر دیپلماسی اجبارآمیز به نتیجه مؤثری برای قدرت های بزرگ منجر نشود، در آن شرایط امکان کاربرد گزینه های نظامی اجتناب ناپذیر خواهد بود. این همان واقع گرایی تهاجمی است. براندازی دولت قذافی در لیبی و تلاش برای کناره گیری اسد از قدرت را می توان نشانه هایی از دیپلماسی اجبار کشورهای عضو ناتو در سوریه دانست. چنین اقدامی از طریق اعمال دیپلماسی اجبار در سطح بین الملل، حمایت از مخالفین مسلح دولت بشار اسد در داخل کشور، تأمین هزینه مخالفان توسط عربستان و تصویب قطعنامه شورای امنیت برای کاربرد نیروی نظامی امکان پذیر است. دیپلماسی اجبار زمینه تصاعد بحران در سوریه را فراهم آورده است. سازماندهی گروه های مخالف، تجهیز آنان به سلاح های سبک و نیمه سنگین، پوشش خبری تحولات سیاسی و امنیتی سوریه توسط رسانه های غربی و بمب گذاری در تأسیسات اجتماعی، نظامی و امنیتی سوریه را می توان نشانه های تصاعد دیپلماسی اجبار در ارتباط با کشورهای هدف دانست. (متقی، ۹۲/۲/۲۳)

واقع گرایان تهاجمی مانند فرید زکریا و جان مرشایمر چنین استدلال می کنند هدف همه دولت های تجدیدنظرطلب دسترسی به جایگاهی هژمونیک در نظام بین الملل است. بنابراین

1. Exlerd

این دسته از دولت‌ها به شدت در پی کسب قدرت هستند و اگر شرایط مناسب باشد، خواستار آن هستند تا توزیع قدرت را به نفع خود تغییر دهند. هدف اصلی هر دولتی آن است که سهم خود را از قدرت جهانی به حداکثر برساند، که این به معنای کسب قدرت به زیان دیگران است (مشیرزاده، ۱۳۸۴: ۱۳۲).

واقع‌گرایان تهاجمی راهکار تهاجمی احتمال وقوع جنگ و به بیان دقیق‌تر، ناامنی را پدیده‌ای اجتناب‌ناپذیر و طبیعی تلقی می‌کنند. آنها طراحی دکترین و استراتژی‌های امنیتی مبتنی بر کاهش احتمال وقوع جنگ را ناکارآمد و غیرمطلوب می‌دانند و بر روی دومین گزینه معادله امنیت، یعنی کاهش احتمال شکست در جنگ تمرکز کرده‌اند (خانی، ۱۳۸۹: ۸۴). در هنگام جنگ و درگیری هر چه احتمال پیروزی یک طرف بیشتر باشد احتمال پیوستن سایر کشورها به آن افزایش می‌یابد (عباسی، حبیبی، پارسا، ۱۳۹۲: ۲۰). بنابراین براساس نظریه بالا می‌توان نقش ترکیه در سوریه را تجزیه و تحلیل کرد.

عوامل مؤثر در بحران در سوریه

خیزش سوریه از ۲۶ ژانویه ۲۰۱۱ که تأثیر گرفته از تحولات سیاسی منطقه خاورمیانه موسوم به بهار عربی بوده، شروع شد. ناآرامی‌ها در سوریه در واقع متعاقب آغاز قیام‌های مردمی در تونس، مصر، یمن، بحرین و لیبی و پس از گذشت تنها چند ماه از آغاز آنها بود و هرچند بی‌ارتباط با این تحولات نبود، اما درواقع می‌توان آن را حاصل فرصت‌طلبی غرب و برخی بازیگران منطقه‌ای دانست که بیش از اینکه حاصل یک فرآیند داخلی همانند کشورهای مذکور باشد، ناشی از دخالت‌ها و تحریکات خارجی بوده است.

دولت بشار اسد در برخورد خشونت‌آمیز با اعتراضات آرام اولیه مردم در شهر درعا دچار اشتباه شده و همین امر موجب سوءاستفاده گروه‌های مخالف و تحریک مردم شد. کشته شدن حمزه الخطیب نوجوان سیزده ساله سوری توسط دولت بشار اسد با واکنش‌هایی در سوریه مواجه شد. از ماه ژانویه ۲۰۱۱ اعتراضات در شهرهای مختلف سوریه نظیر دمشق، حماء، جبلة، لاذقیه، درعا و حمص به وقوع پیوست. در این بین شورای ملی سوریه که ائتلاف اصلی مخالفان این کشور است از شورای امنیت سازمان ملل درخواست کرد تا یک «منطقه حفاظت شده» ناحیه‌ای که هدف حملات ارتش نیست، ایجاد کند. این شورا همچنین شورای امنیت و

اتحادیه عرب را ترغیب کرد برای حفاظت از مردم در آن نواحی اقدام کنند. شورای ملی سوریه در کشورهای ترکیه، تونس و مصر علیه حکومت بشار اسد و در حمایت معترضان سوری تشکیل کنگره داد (احدی، ۱۳۹۱: ۲۹-۱۸).

الف) عوامل داخلی

رکود سیاسی: دولت بشار اسد را نماینده اقلیت علوی سوریه (۱۳ درصد جمعیت کل سوریه) می‌دانند. مخالفان دولت سوریه نسبت به حضور شیعیان علوی در رأس قدرت معترض شده و خواستار مشارکت بیشتر سنی‌ها در حکومت سوریه هستند. نظام سیاسی سوریه، نظامی تک حزبی و تحت کنترل دائمی حزب بعث که حزبی بی‌دینی و ملی‌گرا و به‌صورت موروثی در اختیار خاندان اسد و نیروهایشان قرار گرفته است، باعث گردید تا با محدود شدن فضای فعالیت و رقابت سیاسی، رکود سیاسی ایجاد شود. ترکیب نهاد بوروکراتیک ارتش، دولت، حزب بعث و جمعیت علوی در تجمیع قدرت در خاندان اسد و درکنار این مسائل مواردی چون، انحلال حزب اخوان المسلمین در دهه ۸۰ میلادی و سرکوب شدید معترضان در شهر حماه در سال ۱۹۸۲ میلادی و فرار رهبران اخوان به ترکیه، شناسایی نشدن کردها به‌عنوان شهروندان سوری و وجود وضعیت اضطراری در این کشور، اوضاع سیاسی آن را از لحاظ هنجارهای دموکراتیک بین‌المللی نامطلوب جلوه داد.

با روی کار آمدن بشار اسد با ویژگی‌های خاص (تحصیل پزشکی در انگلیس، ازدواج با یک انگلیسی سوری‌الاصل، کم‌تجربگی) ادامه روند سیاسی را با مشکل روبه‌رو کرد و انجام اصلاحات ساختاری برای حل رکود سیاسی کشور ضرورت پیدا کرد. هر چند دولت اسد با اصلاحات عملی در کشور به‌سوی دموکراسی گام برداشت اما مخالفین خارج‌نشین و حامیان آنها از آن راضی نشدند و برای به‌دست‌گیری کامل قدرت به بحران‌آفرینی ادامه دادند (شریفیان، کبیری، طحانمنش، ۱۳۹۱: ۱۵۰).

دولت بشار اسد در ابتدای فعالیت سیاسی خود با اعمال سیاست‌هایی نظیر ارائه برخی خدمات رفاهی، حمایت از گروه‌های مبارز فلسطینی- لبنانی و تلاش برای بازپس‌گیری سرزمین‌های اشغالی جولان، تلاش کرد در راستای حفظ منافع ملت سوریه گام بردارد و به پیروی آن نیز طرفداران قابل‌توجهی را جذب کرد، اما چنین سیاست‌هایی نتوانست خلاء

فقدان پویایی سیاسی در این کشور را جبران کند. زمانی که بشار اسد در سال ۲۰۰۰ وارث حکومت پدرش شد، وعده‌هایی مبنی بر اصلاحات اجتماعی و بازتر شدن فضای سیاسی کشور داد اما با گذشت زمان و تحت تأثیر آموزه‌های ضد اصلاحی برخی رهبران قدیمی حزب بعث قرار گرفت و از پیگیری وعده‌هایش باز ماند. لغو قانون وضعیت فوق‌العاده از اولین خواسته‌هایی بود که مخالفان دولت اسد سال‌ها برای پی‌گیری آن تلاش کردند. اما دولت اسد زمانی این قانون را لغو کرد که اعتراضات داخلی رو به گسترش نهاد (معاونت اطلاعات نراجا، ۱۳۹۲: ۱۲).

رکود اقتصادی: کشور سوریه جزو کشورهای فقیر جهان محسوب می‌شود، بشار اسد از زمان روی کار آمدن وعده‌های متنوعی مبنی بر تقویت استانداردهای رفاهی مردم داد و برنامه‌هایی تحت نظارت صندوق بین‌المللی پول برای اصلاح ساختار اقتصادی این کشور انجام داد ولی نتایج آن با دستاوردهای وعده داده شده فاصله زیادی داشت. فقر و بیکاری مشکلات جدی سوریه بوده و بشار اسد در جریان بحران این کشور اولویت اول در انجام اصلاحات را تلاش برای بهبود وضعیت معیشتی مردم و سپس توسعه سیاسی عنوان کرده بود (شریفیان، کبیری، طحانمنش، ۱۳۹۱: ۱۵۱).

بحران اقتصادی جهانی آثار محسوسی بر اقتصاد سوریه به جا گذاشت. به پیروی این بحران، از میزان سرمایه‌گذاری و تولید کاسته شد و بر آمار بیکاری افزود شد. از زمان به قدرت رسیدن بشار اسد و آغاز اصلاحاتی در راستای آزادسازی اقتصاد دولت محور این کشور، رشد اقتصادی مستمری جریان یافت و درآمد سرانه سوری‌ها افزایش محسوسی پیدا کرد. روند روبه‌رشد اعتراضات و به تبع آن اتفاقاتی چون آسیب دیدن صنایع، توریسم و اعمال تحریم‌های بین‌المللی بر مشکلات افزود. با وجود اینکه ذخایر نفتی سوریه کم و تولید نفت خام روزانه آن حدود ۴۰۰ هزار بشکه در روز است اما نفت منبع اصلی درآمد سوریه را تشکیل می‌داد. سوءمدیریت، رانت‌خواری و فساد، فاصله طبقاتی به وجود آورده و باعث فقر و بیکاری در این کشور شد (احدی، ۱۳۹۲: ۵۴-۳۱).

ب) عوامل خارجی:

بیداری اسلامی (بهار عربی)^۱: منطقه غرب آسیا از آغاز تحرکات استعماری غرب، مورد هدف استعمارگران قرار گرفته و آنها دست به چپاول ثروت‌های غنی منابع طبیعی و انسانی این منطقه زده‌اند. حضور و نفوذ گسترده استعمارگران باعث شد تا مرزهای جغرافیایی جدید منطقه نیز به دست آنها ترسیم شود و به‌ویژه بیشتر کشورهای این منطقه که مناطق تحت نفوذ و تابعیت امپراطوری عثمانی بودند، بعد از جنگ جهانی اول و فروپاشی امپراطوری عثمانی براساس اهداف و منافع قدرت‌های روز غربی شکل گرفته و حاکمان آنها نیز توسط استعمارگران گمارده شده و شکل جدید استعمار موسوم به استعمار نو در مورد این کشورها اجرا شد که در مورد بسیاری از کشورهای منطقه این شرایط هم‌اکنون نیز ادامه یافته است. تأمین بخش قابل توجهی از انرژی مورد نیاز کشورهای صنعتی از کشورهای غرب آسیا از دیگر عوامل مهم توجه غرب و قدرت‌های بزرگ به این منطقه است؛ ضمن این که کشورهای منطقه بازار گسترده‌ای برای محصولات کشورهای پیشرفته و غربی به‌شمار می‌رود. ابتدا با جایگزینی استعمارگران انگلیسی و فرانسوی و ... با آمریکا در منطقه، تفاوت فرهنگ و رویکردهای آمریکا ایجاب می‌کرد در شکل و شیوه استعمار کشورهای منطقه تغییراتی ایجاد شود که البته شرایط جهانی و توسعه ارتباطات و عصر اطلاعات نیز این ضرورت را مضاعف کرده و خط‌مشی آمریکایی‌ها این بود که دموکراسی از نوع غربی همراه با فرهنگ استعماری آن را جایگزین شیوه‌های استعماری گذشته نماید. بنابراین آمریکایی‌ها بر ضرورت تغییرات در کلیه کشورهای استبدادی منطقه واقف بوده و آن را اجتناب‌ناپذیر تلقی می‌کردند (احدی، ۱۳۹۱: ۲۹-۱۸).

تأثیرگذاری تحولات خاورمیانه (بهار عربی) در بحران سوریه به‌خصوص از این حیث قابل توجه است که در دو کشور تونس و مصر، دولت‌ها در برابر معترضان تسلیم شده و کناره‌گیری کردند و بسیاری دولت‌های دیگر نیز وعده اصلاحات دادند. پتانسیل بالای کشور سوریه برای تأثیرپذیری از تحولات منطقه، باعث تحول در سوریه نیز گردید. سقوط دیکتاتورهای منطقه (بن علی، مبارک، قذافی و عبدالله صالح) که همگی دارای پیشینه نظامی بوده و از طریق کودتا سر کار آمده بودند، با قربت‌هایی که کشور سوریه داشت نمی‌توانست

1. Islamic Awakening (Arab Spring)

فضای این کشور را نیز متأثر نسازد؛ از این رو با نفوذ و تحریک عناصر اخوان المسلمین و سلفی‌ها در مناطق مرزی مانند درعا، فضای سوریه نیز با اعتراضات اولیه ملتهب گردید. اگر رکود سیاسی و مشکلات اقتصادی به مثابه متغیرهای ریشه‌ای در برخی شهروندان سوریه انگیزه اعتراض ایجاد کرد، تحولات جهان عرب به مثابه یک کاتالیزور مهم عمل کرده و بر تحولات سوریه تأثیر محسوسی گذاشت (احدی، ۱۳۹۲: ۵۴-۳۱).

دخالت‌های خارجی (کشورهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای): غرب به رهبری آمریکا تحت تأثیر ملاحظات امنیتی رژیم اشغال‌گر قدس، همواره خواهان سوریه‌ای ضعیف و منفعل بوده است. پیوندهای دوستانه بشار اسد با ایران از یک سو و حمایت این کشور از محور مقاومت و گروه‌های فلسطینی- لبنانی و قرار گرفتن در جبهه مخالف غرب از سوی دیگر همواره چالشی مهم برای منافع غرب و اسرائیل بوده است. از این رو آمریکا و هم‌پیمانانش همچون ترکیه و اتحادیه عرب با شروع اعتراضات مردمی در سوریه با جدیت بیشتری واکنش نشان داده و در راستای تحریک و تسلیح بیشتر معترضان، دولت بشار اسد را تحت فشار قرار دادند. شبکه‌های جهانی غربی از جمله بی‌بی‌سی و سی‌ان‌ان و شبکه‌های کشورهای ثروتمند حاشیه خلیج فارس همچون الجزیره و العربیه، ضمن سانسور اخبار، نحوه برخورد نیروهای امنیتی سوریه با معترضان را بزرگ‌نمایی کرده و به دروغ‌پراکنی پرداختند (قنبرلو، ۱۳۹۰: ۳۸).

کشورهای عربستان، قطر، ترکیه برای حفظ منافع خود سیاست تشدید بحران سوریه را در پیش گرفتند. از نظر عربستان، کنترل سوریه یعنی کنترل لبنان و عراق و گسترش مرزهای این کشور تا ایران و سواحل دریای مدیترانه و از نظر ترکیه، به دست گرفتن امور سوریه به معنای بازگشت عظمت از دست رفته امپراطوری عثمانی و بازگسترش حضور نفوذ از شمال سوریه تا جنوب سوریه و لبنان است (شریفیان، کبیری، طحانمنش، ۱۳۹۱: ۱۸۴-۱۳۹).

در واقع تحولات داخلی سوریه محصول سناریو ازپیش ساخته‌شده در پایتخت‌های غربی با همراهی ترکیه و کمک‌های مالی و پوشش منطقه‌ای عربستان سعودی بوده و این کشور دو میلیارد دلار برای موفقیت این سناریو اختصاص داده بود که به کمک اردن و جریان المستقبل (سعد حریری) مقادیر قابل ملاحظه‌ای سلاح وارد برخی از شهرهای سوریه، به‌ویژه حماه نمود. طرح بی‌ثبات‌سازی سوریه و براندازی بشار اسد از روی مدل لیبی شبیه‌سازی شده

و با هدایت آمریکا و سرویس اطلاعاتی برخی از کشورهای اروپایی برنامه‌ریزی گردید. در مرحله اول این سناریو سلفی‌های مسلح، با ایجاد درگیری مسلحانه، زمینه‌های کشتار را در حماه و دیگر شهرهای سوریه ایجاد و با تسخیر جسرالشغور و حماه، در مدل شبیه‌سازی‌شده با وقایع لیبی، آنجا را به بنغازی دیگری تبدیل کرده تا دولت بشار اسد و علوی‌ها را سرنگون نمایند. در مرحله دوم این سناریو، ناتو به بهانه کشتار مردم، مجوز اقدام نظامی را از سوی شورای امنیت دریافت می‌کرد و همانند لیبی وارد عمل می‌گردید. در مرحله سوم سناریوی بی‌ثبات‌سازی و براندازی سوریه، جریان‌های سکولار و اخوانی‌ها با حمایت ترکیه، فرانسه و ... با ایجاد شورای انتقالی، زمینه را برای تغییر ساختار و به‌دست‌گرفتن قدرت در سوریه فراهم می‌نمودند (احدی، ۱۳۹۲: ۵۴-۳۱).

دولت ترکیه با آغاز تحولات سوریه دچار نوعی سردرگمی شد؛ به‌گونه‌ای که آنکارا ضمن توجه ویژه به حوادث سوریه، از تاثیر این حوادث بر امنیت ترکیه به‌شدت نگران بوده و آخرین تحولات همسایه خود را دنبال کرده و بارها از اعلام آمادگی آنکارا برای همکاری با دمشق برای برقراری آرامش و استقرار امنیت سخن گفته بود (شریفیان، کبیری، طحانمش، ۱۳۹۱: ۱۵۷).

نقش ترکیه در بحران سوریه

تحولات پرشتاب سال‌های اخیر در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا، زمینه مساعدی را برای نقش‌آفرینی قدرت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی فراهم آورد. در این میان ترکیه ازجمله بازیگرانی است که نقش پررنگی را در تحولات منطقه نقش داشته است. دولت ترکیه برای خود رسالتی خاص در منطقه قائل است و مدعی آن است که توانایی ایفای نقش محوری از بوسنی تا افغانستان و حتی شمال آفریقا را دارد. ازاین‌رو با توجه به اهمیت جایگاه راهبردی خاورمیانه و شمال آفریقا تلاش می‌کند تا نقش مؤثری در حل بحران‌های جاری در منطقه اجرا نماید و امیدوار است که ضمن حفظ و ارتقاء موقعیت و جایگاه خود در بین دوستان غربی‌اش، بتواند به یک قدرت مهم و تاثیرگذار در منطقه تبدیل گردد، هدفی که برخی از ناظران سیاسی از آن

به عنوان سیاست بازسازی امپراطوری عثمانی (نئوعثمانیسم)^۱ در ترکیه یاد می کنند (محمدی، ۱۳۹۲).

سیاست خاورمیانه ای ترکیه پس از جنگ سرد، تابعی از متغیرها و ویژگی های کلی نظام بین المللی، تحولات منطقه ای و خط مشی نخبگان سیاسی این کشور است. پس از جنگ جهانی دوم، خصوصاً در دوران جنگ سرد، موقعیت برتر راهبردی ترکیه نزد هم پیمانان غربی این کشور (ناتو)، به لحاظ مقابله با نفوذ شوروی در خاورمیانه و جنوب اروپا، سیاست خارجی ترکیه را تحت الشعاع خود قرار داد. با این حال، تحولات اساسی در ساختار نظام بین المللی در اواخر دهه ۸۰ میلادی، منزلت و نقش منطقه ای ترکیه را متحول و سیاست خارجی این کشور را فعال کرد. در این شرایط، رهبران ترکیه در دهه ۹۰ میلادی به رغم مشکلات فراوان داخلی پی گیر ایفای نقشی فعال در صحنه های اقتصادی، سیاسی و امنیتی خاورمیانه بوده اند و ترکیه از منظر راهبردی به بخشی از خاورمیانه تبدیل شده است (محمدی، ۱۳۹۳).

الف) میزبانی از اپوزسیون سوریه: ترکیه از تحولات اخیر سوریه به صورت فرصتی تاریخی برای تأمین منافع راهبردی خویش بهره برداری می کند. سیاست دولت ترکیه در قبال تحولات بسیار محتاطانه بوده است. ترکیه در پی عمق بخشی نفوذ منطقه ای و استفاده بهینه از فرصت های احتمالی ایجاد شده در پی انقلاب ها بوده و در سیاست های اعلانی اش اساساً در پی معرفی خود به عنوان یک الگوی دموکراسی خواهی در جهان اسلام است.

ترکیه تلاش کرد تا به چهارراه گفت وگوها و رایزنی های منطقه ای برای بحران سوریه تبدیل شود. بر این اساس ترکیه میزبان گروه های مخالف اسد و همچنین نشست کشورهای موسوم به دوستان سوریه در خاک خود بوده است.

با آغاز ناآرامی ها و در ماه های اول آن دو رویکرد ظاهری و عملی متناقضی را در پیش گرفت. در ظاهر از دولت سوریه حمایت نموده و آن را توصیه به پرهیز از خشونت علیه مخالفین می کرد و در عمل از مخالفین حمایت می کرد ولی بعداً آشکارا دولت سوریه را متهم و از مخالفین حمایت نمود و این حمایت ها شامل حمایت های گسترده، سیاسی، لجستیکی و نظامی از گروه های مخالف مسلح دولت سوریه می گردید که همچنان ادامه دارد. سامان دادن

به نیروهای مخالف سوری در ترکیه، بخشی از برنامه آنکارا در سمت‌وسو دادن به روند تحولات سیاسی و اجتماعی سوریه است.

تشکیل مجلس ترکمن‌های سوریه با عنوان پلت‌فرم^۱ ترکمن‌های سوریه توسط دولت ترکیه در دسامبر ۲۰۱۲ با هدف تجمع کنشگران سیاسی ترکمن مخالف دولت اسد به انجام رسید. در دومین گردهمایی این مجلس در ۳۰ مارس ۲۰۱۳ که با حضور رجب طیب اردوغان، احمد داود اوغلو و جورج صبره (رئیس وقت شورای ملی انقلابیون و مخالفین سوریه) برگزار شد، بلوک ترکمن سوریه و حرکت دموکراتیک ترکمن‌های سوریه در قالب مجلس ترکمن‌های سوریه با هدف مشارکت مؤثرتر ترکمن‌ها در نهادهای سیاسی مخالفان دولت سوریه با یکدیگر متحد شدند. هدفی که بخشی از آن با جانشینی خالد خوجا به عنوان یک فعال سیاسی ترکمن در رأس ائتلاف ملی انقلابیون و مخالفین سوریه در ۴ ژانویه ۲۰۱۵ محقق شد (حسینی تقی آباد، ۹۴/۱۱/۷).

ب) سازمان‌دهی و آموزش مخالفین دولت سوریه: ترکیه از زمان آغاز خیزش‌های مردمی در منطقه مترصد این بوده است که نقشی پیش‌تاز را در منطقه اجرا کند. دولت اسلام‌گرایی ترکیه حاضر شده است در قبال فشار به دولت سوریه، حمایت‌های مختلفی از دولت آمریکا برای ارتقاء جایگاه منطقه‌ای خود دریافت نماید (محمدی، ۱۳۹۲).

موضع ترکیه در قبال تحولات داخلی سوریه در ابتدا «توصیه محور»^۲ و در راستای ایجاد اصلاحات سیاسی دموکراتیک و گفت‌وگو بود، اما با شدت گرفتن بحران، ترکیه پا را فراتر نهاد. آنکارا با دادن تسهیلات سیاسی و پشتیبانی به مخالفان سیاسی و نظامی دمشق، گام‌های زیادی در روند سیاست خصمانه و دشمنی علیه دولت و ملت سوریه برداشت.

ترکیه به همراه کشورهای غربی-عربی در راستای سرنگونی حکومت سوریه به رهبری بشار اسد، شورای ملی سوریه و ارتش آزاد سوریه را تأسیس کرد و سازماندهی داد و آن را تحت حمایت خود قرار داده است. نشست ضدسوری موسوم به دوستان سوریه در ۲۰ مارس ۲۰۱۲ در استانبول برگزار شد. اردوغان و داود اوغلو بارها مشروعیت نظام حاکم سوریه را زیرسؤال

1. Plat form

2. Centered Recommendation

برده و بشار اسد را متهم به قتل عام مردم نموده و برای براندازی نظام حاکم سوریه تمام تلاش خود را متمرکز نموده‌اند (شریفیان، کیری، طحانمش، ۱۳۹۱: ۱۸۴-۱۳۹).

معارضین سوری با اسلحه آمریکایی، آموزش ترک‌ها، پشتیبانی اطلاعاتی اسرائیل، پشتیبانی اردن و تأمین مالی سعودی و قطر پاگرفته و سازمان یافته‌اند. بنابراین بحران سوریه پدیده‌ای است که از بیرون به سوریه تحمیل شده و بیشتر با هدف گذاری‌های امنیتی رژیم صهیونیستی و آمریکا پیوند خورده است (محمدی، ۱۳۹۳).

موافقت‌نامه‌های کنسولی دولت آنکارا با بسیاری از کشورهای اروپایی و شیخ‌نشین‌های حاشیه خلیج فارس، کشورهای شمال آفریقا و روسیه شرایط مناسبی را برای تروریست‌های عرب، چچنی و اروپایی عرب‌تبار به وجود آورد تا به راحتی از خاک ترکیه راهی سوریه شوند. طبق برآورد اطلاعاتی آمریکا و غرب، هزاران نفر از جنگجویان خارجی با تابعیت اروپایی، عربستانی، تونسی و روسی از طریق خاک ترکیه وارد سوریه شده‌اند. تبلیغات گروهک تروریستی داعش در فضای مجازی باعث گردید تا عناصری بنیادگرا از سایر کشورهای جهان برای پیوستن به صفوف این گروهک به سوریه حرکت نمایند. فرودگاه‌ها و شهرهای ترکیه نخستین ایستگاه و میزبان تروریست‌های تازه نفس بوده و طی اقامت‌های کوتاه مدت و گاه بلندمدت به صفوف گروه‌های تروریستی در خاک سوریه می‌پیوندند. این افراد تا لحظه اعزام به سوریه تحت حمایت سازمان‌های اطلاعاتی و امنیتی ترکیه قرار داشته و حتی فعالیت‌های تبلیغی نیز برای جذب جوانان بنیادگرای ترکیه انجام می‌دهند. در این بین ارتش آزاد سوریه در ابتدای جنگ داخلی سوریه تحت حمایت لجستیکی و اطلاعاتی ترکیه توانست موفقیت‌هایی را در صحنه میدانی نبرد سوریه به دست آورد؛ اما با قدرت‌یابی سایر نیروهای بنیادگرا در سوریه و عضوگیری آن‌ها از شهروندان سایر کشورهای جهان، ترکیه به مهم‌ترین مسیر تردد تروریست‌ها در جهان مبدل گردید. حضور آوارگان سوری در خاک ترکیه، استفاده از خاک ترکیه توسط عناصر وابسته به گروه‌های تروریستی برای پیوستن به جبهه نبردهای سوریه و همچنین گسترش قاچاق و سلاح و مهمات در شهرهای مرزی این کشور با سوریه باعث شده تا فعالیت گروه‌های سلفی و وهابی نیز در خاک این کشور رشد فزاینده‌ای داشته باشد (معاونت اطلاعات نزا، ۱۳۹۴: ۱۵).

پ) پشتیبانی تسلیحاتی مخالفین دولت سوریه توسط ترکیه: ترکیه که به تعبیر مؤسسه آمریکایی هودسون^۱ قرار بود «مدلی ارزشمند برای آیندگان» و به تعبیر داود اوغلو نخست‌وزیر ترکیه، «پل ارتباطی غرب و جهان اسلام» باشد به راه‌اندازی و تجهیز «جبهه النصره» در سوریه مبادرت کرده و در واقع به حکومت حامی القاعده تبدیل شده است. تشکر ویژه «ایمن الظواهری» از مواضع اردوغان و اعلام رسمی پیوستگی جبهه النصره تحت حمایت اردوغان به القاعده نشان می‌دهد که ترکیه از ایفای نقش «اجماع ساز»^۲، «پل گونه»^۳ و «مدل»^۴ دور شده و به گروهی نزدیک شده که آمریکایی‌ها فلسفه وجودی «اسلام اردوگانی» را در تقابل با «اسلام طالبانی» معرفی می‌کردند (شفاف نیوز، ۹۴/۱/۲۴).

دکتر افرايم اينبار از اندیشکده بگین - سادات اظهار کرده است: «ترکیه بین اخوان المسلمین، القاعده و داعش تمایزی قائل نیست. آنها به داعش کمک کرده و زخمی‌های این گروه را در ترکیه درمان می‌کنند و به این گروه سلاح می‌دهند، و به افرادی که از اروپا (به سوریه) می‌آیند توجیهی ندارند. ترکیه به میدان تمرین بدل شده است.»

گابریل میشل نیز گفت «وقتی ترکیه موضع ضد اسد گرفت، تعداد گروه‌های شورشی که در ۲۰۱۱-۲۰۱۲ ظهور کردند بی‌شمار، متنوع و بی‌نظم بود. اغلب آنها نیز در شمال سوریه بودند. ترکیه تصمیم گرفت با حمایت لجستیکی و تسلیحات سبک به این گروه‌ها کمک کند». البته در ترکیه نسبت آگاهی مردم از کمک‌های دولت اردوغان به گروه‌های تروریستی سوریه بالا رفته است (پایگاه اینترنتی اشراف، ۱۳۹۴/۰۲/۱۶).

بعد از عمق‌بخشی بحران در سوریه و عراق و متعاقب آن ظهور داعش، مرحله دوم گذار سیاست خارجی ترکیه خود را به‌خوبی نمایان ساخت. در این دوره جدید راهبردنویسان آنکارا در بازبینی نوینی بر این امر تأکید کردند که حاکمیت‌های مسلط بر دمشق و بغداد توسط مخالفانی که از جانب ترکیه حمایت می‌شوند، به‌آسانی و توسط آنها از صحنه سیاست و قدرت کنار گذاشته نخواهند شد، از طرفی دیگر این امر برای ترکیه مشخص شد که تنها

1. Hoodsoun
2. Consensus Building
3. Likeness Bridge
4. Modle

حمایت مادی و در عین حال فکری نمی‌تواند مخالفان را بر این دو پایتخت عربی حاکم سازد، در نتیجه سیاست آنکارا به گامی بزرگ و در عین حال بلندپروازانه نیاز داشت تا به‌طور کامل وجهی نظامی، وجه فکری آن را تکمیل گرداند. همسویی کشورهای عربی - غربی برای تغییری گسترده در میدان نظامی و سیاسی سوریه گام برداشت. آنها بیشتر گروه‌های نظامی مخالف بشار اسد را تحت فرماندهی جدید به نام «جیش الفتح» متحد ساختند. این ارتش به تجهیزات تازه و راهبردی نوینی مجهز گشت و ترک‌ها نقشی اصلی و اسپانسر اصلی این پرو-ژبه بزرگ نظامی را بر عهده گرفتند. آغاز عملیات این گروه و همچنین منطقه شروع عملیات این ارتش در استان ادلب و لاذقیه از نفوذ ترکیه و برنامه راهبردی آنها برای ساقط‌سازی بشار اسد حکایت داشت (ولدیگی، ۹۴/۹/۱۷).

از زمان شکل‌گیری ائتلاف ضد دولتی در سوریه ترکیه همواره از مخالفان بشار اسد حمایت کرده و با غرب هم‌صدا شده و از هیچ کمکی به مخالفان سوری و نابودی سوریه دریغ نکرده است (خبرگزاری آریا، ۹۴/۷/۱۷).

کشورهای منطقه به‌ویژه ترکیه منابع مالی، تسلیحات و انواع کمک‌ها را در اختیار گروه‌های شورشی سوریه برای حمله به نیروهای دولت دمشق قرار می‌دهند. آنها در حقیقت روی منازعه‌ای سرمایه‌گذاری می‌کنند که معتقدند بخشی از تقابل گسترده‌تر منطقه‌ای جهت جلوگیری از نفوذ ایران است (حجت، ۱۳۹۴/۷/۱۵).

موشک‌های آمریکایی نوع تاو که برای اولین بار توسط گروه‌های شورشی مسلح در سوریه استفاده شد، با کمک سازمان اطلاعات ترکیه و با همکاری "سلیم ادریس" از مسئولان ارتش آزاد سوریه به مخالفان منتقل شد (روزنامه آیدنلیک، ۹۳/۲/۷). در همین رابطه روزنامه نیویورک تایمز با ارائه گزارشی دست به افشاگری زده و نوشت: آمریکا و عربستان توافقی پنهان برای حمایت از گروه‌های افراطی حاضر در سوریه داشته و آمریکا برای تسلیح شورشیان به میزان زیادی به پول‌های عربستان سعودی تکیه کرده است. بر اساس این توافق، عربستان سعودی پشتیبانی مالی و تسلیحاتی گروه‌های مخالف را تأمین می‌کند و سازمان سیا هم استفاده از سلاح‌های آک ۴۷ و موشک‌های ضدتانک را به آنها آموزش می‌دهد (نیویورک تایمز، ۹۴/۱۱/۵). در این رابطه نماینده دائم روسیه در سازمان ملل، اسناد کمک‌های گسترده ترکیه به داعش را

شامل اسامی شرکت‌های ترک فعال در تولید مواد منفجره، در اختیار دبیر کل این سازمان قرار داد و از وی خواست نسبت به این مسئله واکنش نشان دهد (کیهان، ۹۵/۳/۸: ۱۶).

ت) واگذاری پایگاه به مخالفین دولت سوریه از سوی ترکیه: ترکیه تلاش نمود با رویکردهای انسانی و حقوق بشری بر بحران سوریه تأثیر بگذارد که اسکان آوارگان سوری در کمپ‌های درون خاک ترکیه نمونه‌ای از این سیاست است. بنابراین ترکیه علاوه بر سرنگونی رژیم اسد، آینده سوریه را نیز به واسطه برخورداری از ۹۰۰ کیلومتر مرز مشترک با آن کشور در کانون توجه قرار داده و به همین دلیل سعی کرد ضمن واگذاری مقر به شورای ملی مخالفین و ارتش آزاد سوریه در خاک ترکیه، تلاش نمود بیشتر مهاجرین سوری را میزبانی نماید (برزگر، ۱۳۹۱/۱/۲۸).

دولت ترکیه در روند ایجاد منطقه حایل و طرح (سناریو) مداخله نظامی در خاک سوریه و به‌طور برجسته در رخداد خونین جسرالشغور پیشگام بوده است. ترکیه ضمن پذیرش آوارگان سوری در داخل مرزهای خود، به مخالفان دولت سوریه اجازه داد چندین نشست در شهرهای استانبول و آنکارا برگزار کنند.

سیبل ادموندز^۱ یکی از کارمندان سابق دفتر تحقیقات فدرال آمریکا در مورد آموزش معارضان سوری در داخل پایگاه آمریکایی اینجریلیک^۲ و سایر مناطق مرزی در ترکیه گفت: ترکیه در قبال تحولات سوریه می‌خواهد نقش جدیدی برای خود تعریف کند، چهره‌ای طرفدار ملت‌ها از خود نشان داده و اعلام کند توان فشار بر کشورهای همجوار و نقش‌آفرینی را دارد (بهرامی، ۱۳۹۰: ۳۴).

تاریخ ۹۴/۱۱/۶ جوزف دانفورد^۳ رئیس ستاد مشترک ارتش آمریکا به ترکیه سفر کرده بود (روزنامه آیدنلیک، ۹۴/۱۱/۶). ترکیه و هم‌پیمانان غربی این کشور در قالب ناتو برای ایجاد گذرگاهی انسانی در طول مرزهای مشترک سوریه و ترکیه تلاش می‌کردند تا از این طریق به گروه‌های مخالف حکومت بشار اسد کمک‌رسانی بیشتری صورت بگیرد و متعاقب این امر عملیات نظامی مشترک و متحد برای سرکوب شبکه پدافند هوایی، از کار انداختن نیروی

1. Cibel edmonds

2. Ingerlic

3. Jozef danford

هوایی سوریه، رها شدن از قدرت بازدارندگی نامتقارن سوریه از طریق مهار تهدیدهای غیر متعارف آن مثل موشک‌های دوربرد و بی‌ثباتی در طول مرزهای بلندی‌های جولان انجام دهند (متقی، ۱۳۹۲: ۴۴-۳۳).

شماری از نیروهای ترکمن حاضر در صف گروه‌های مختلف تروریست در سوریه در حال انجام خدمات نظامی - اطلاعاتی به ترکیه هستند و نقش هماهنگ‌کننده میان گروه‌های مذکور و حامیان ترکیه‌ای آن‌ها را بر عهده دارند. این‌ها شاهی بر حرف‌شنوی و هماهنگی آنان با سیاست‌ها و دستورات آنکارا است (حسینی تقی آباد، ۹۴/۱۱/۷).

ث) همراهی و پشتیبانی ترکیه از سیاست‌های غرب علیه سوریه: بحران سوریه و ناتوانی سازمان ملل در فرونشاندن آن موجب شده بازیگران منطقه ای با ورود به این بحران ایفای نقش کنند. ترکیه برآن است تا با هماهنگ‌کردن مواضع خود با دول غربی، این پیغام را به کشورهای اروپایی و آمریکا منتقل کند که سیاست‌ها و اهداف ترکیه همواره در راستای منافع و سیاست‌های آن‌ها در منطقه است و دولت‌های غربی می‌توانند به ترکیه به‌عنوان یک شریک راهبردی قابل اعتماد نگاه کنند. طبیعی است که چنین موضع‌گیری راه را برای الحاق ترکیه در اتحادیه اروپا باز خواهد کرد (عالم، ۱۳۹۱: ۱۱۰).

ترکیه با هم‌نوازی بین غرب و برخی کشورهای عربی در قبال تحولات سوریه، اهداف راهبردی دیگری چون تقویت جایگاه سیاسی خود در معادلات آتی خاورمیانه به‌عنوان بازیگر تصمیم‌ساز و تأثیرگذار پیگیری می‌کند. موافقت ترکیه با استقرار سامانه دفاع موشکی ناتو نیز مؤید رفتار آنکارا برای خروج از وضعیت تضاد منافع با غرب در هنگام بازی با برگ مقاومت اسلامی و بیداری اسلامی است. بازی هوشمندانه حزب «عدالت و توسعه» با برگ‌های معادلات راهبردی و رقابت‌های ژئوپلیتیکی، فرصت‌های متعددی را برای این کشور به‌همراه داشته است (بهرامی، ۱۳۹۱/۱/۲۰).

سیاست خارجی ترکیه در قبال سوریه طیفی از میانجی‌گری و داوری تا فراهم کردن امکانات برای مخالفان و تهدید به جنگ را شامل می‌شود. اصل نخست در سیاست خارجی این کشور نگاه به غرب بوده و منطقه خاورمیانه و جهان اسلام در درجه دوم اولویت خارجی قرار دارند. ترکیه گمان می‌کرد که می‌تواند با ایفای نقش «پل بین‌المللی» بین اسلام و غرب هم حمایت

مسلمانان و هم حمایت غرب را به دست آورده و به قدرت اول در جهان اسلام و منطقه تبدیل شود. این کشور در بحران سوریه خود را با روند غربی-عربی همراه کرد. هواپیماهای جنگی ترکیه به بهانه اینکه ترکیه بخشی از ساختار ناتو است، در اختیار غرب قرار گرفت و ترکیه به پای ثابت تخریب مهمترین دژ ضد اسرائیلی جهان عرب، یعنی سوریه، تبدیل گردید. (شفاف نیوز: ۲۴/۱/۹۴). ترکیه آشکارا سیاست خود در جنگ سوریه را براندازی دولت اسد قرار داده است. این سیاست او از سوی مخالفانش به عنوان قمار بزرگ نام گرفته است (ایران، ۹۵/۳/۴: ۱۳).

وجود یک دولت علوی در کنار ترکیه چندان برای ترک‌ها خوشایند نیست. ترک‌ها ترجیح می‌دهند این معادله در سوریه تغییر کند و همانند ترکیه جریان اهل سنت بر جریان علوی حاکم باشد (برزگر، ۱۳۹۱/۱/۲۸).

سیاست خارجی متقابل ترکیه و ایران در بحران سوریه

ایران و ترکیه همسایگانی هستند که نیازمند روابط مستحکم و باثباتی هستند. هم ترکیه به ایران و هم ایران به ترکیه نیازمندند. روابط ایران و ترکیه بر پایه ملاحظات همیشگی یعنی جبر راهبردی، جغرافیای سیاسی و جغرافیای اقتصادی بنا نهاده شده و این مسائل سبب شده تا دو همسایه، به رابطه با یکدیگر نیاز داشته باشند. بنابراین نه دولت و نه ملت ایران و ترکیه علاقه‌ای به تنش در روابط یکدیگر ندارند. منافع دو کشور در حفظ این رابطه است. اما ترک‌ها نشان داده‌اند که چندان تمایلی ندارند که باید روابط دوجانبه مستحکمی با جمهوری اسلامی ایران داشته باشند و نمونه بارز آن میزبانی از سپر دفاع موشکی ناتو و همراهی با تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران است. همچنین به لحاظ نظامی ایجاد پایگاه اینچرلیک و خرید مکرر جنگ‌افزارهای مختلف از آمریکا و رژیم صهیونیستی و استقرار موشک‌های پاتریوت (طرح سپر موشکی) در خاک این کشور نشانگر نداشتن حسن نیت ترکیه نسبت به ایران است. از طرف دیگر ترکیه و رژیم صهیونیستی موافقت کردند که روابط امنیتی خود را تحکیم بخشند. برنامه هسته‌ای ایران و تأثیر انکارناپذیر آن بر موازنه قوای کشورهای منطقه، چالش امنیتی بزرگی را برای رهبران ترک به وجود آورده است. به عکس در ترکیه سیاست-مدارانی هستند که به شدت علاقه‌مند به حفظ و استحکام روابط با جمهوری اسلامی ایران

هستند و به ایران به عنوان یک قدرت منطقه‌ای غیرقابل انکار نگاه می‌کنند و نمی‌خواهند روابطشان با جمهوری اسلامی ایران دچار تنش شود (احمدیان، ۹۱/۵/۱۲).

جبهه‌بندی جدید و تضعیف همکاری‌ها بین ایران و ترکیه

انقلاب‌های عربی نیز نوع جدیدی از رقابت را ایجاد کرد. این رقابت در حوزه‌های توازن قوا و نقش منطقه‌ای اهمیت خود را نشان داد. بخش دیگری از این رقابت به الگوهای فکری و ایجاد مدل مربوط می‌شود. در این چهارچوب، غرب تلاش کرده است که ترکیه را از جنبه‌های جغرافیایی و فکری، جایگزین خلاء قدرتی سازد که به واسطه انقلاب‌های عربی و جابه‌جایی حکومت‌ها در منطقه ایجاد شده است. این مسئله باعث ایجاد تضادهایی بین ایران و ترکیه در رقابت‌های منطقه‌ای شده است. در بحران سوریه و شکل‌گیری نوع جدید دخالت ترکیه، غربی‌ها انکار نکرده‌اند که بحران سوریه مقدمه‌ای برای تضعیف نقش منطقه‌ای ایران و حتی برنامه هسته‌ای آن است. در همین جا است که تضادهای منطقه‌ای و مرزهای اختلاف بین کشورها ایجاد می‌شود. بنابراین، انقلاب‌های عربی و به تبع آن تقویت نگاه غرب و نزدیک شدن به ترکیه نوعی به هم خوردن توازن قوا را در درون خود دارد که مسائل و چالش‌هایی که در روابط ایران و ترکیه وجود دارد، ناشی از این موضوع است (برزگر، ۹۰/۱۲/۲۱).

بحران سوریه، روابط ایران و ترکیه را وارد مرحله تازه‌ای کرد. در حقیقت تعارضات بنیادین موجود میان ماهیت سیاست خارجی دو کشور تحت تأثیر بیداری اسلامی هویدا شد. با موضع‌گیری ایران نسبت به استقرار و فعالیت رادارهای ناتو در ترکیه در چهارچوب طرح سپر دفاع موشکی ناتو و دیدگاه‌های متعارض دو کشور در قبال اتفاقات سوریه روابط دو کشور با چالش‌هایی روبه‌رو شده است. این چالش به ایفای نقش‌های منطقه‌ای آنها در مدیریت تحولات عربی مربوط است. به خصوص بحران سوریه که دو کشور دو نگاه متفاوت به این مسئله دارند. ترکیه در تقویت راه‌حل غربی خواهان تغییر نظام سیاسی در سوریه است، چرا که ترکیه در بحران سوریه مردم را محق می‌داند و حکومت سوریه را به کشتار مردم خود متهم می‌کند و اینکه در اثر عملیات نظامی حکومت سوریه تاکنون تعداد زیادی از مردم، فقط به ترکیه آواره شده‌اند. در مقابل جمهوری اسلامی ایران تفسیر متفاوتی از تحولات داشته و معتقد است از آنجا که حکومت سوریه در جبهه مقاومت است با توطئه‌هایی که از سوی

خارجی مدیریت می‌شود، مواجهه است. از این رو، ایران خواهان انجام تغییرات در سوریه است، به گونه‌ای که توازن قوای منطقه‌ای حفظ شود. مسئله اصلی ایران تعادل بین جریان مقاومت و حزب‌الله و انجام تغییرات در سوریه است. این دو دیدگاه بسیار با یکدیگر فاصله دارد. بحران سوریه باعث شده میان ایران و ترکیه فاصله‌ای ایجاد شود. ترکیه برای ارتباط با سوریه بعد از بشار اسد سرمایه‌گذاری می‌کند. حداقل ارزیابی ترکیه این است که دولت آقای بشار اسد سرنگون خواهد شد؛ بنابراین ترکیه با مخالفان اسد به‌ویژه اخوان المسلمین همکاری کرده است (بهشتی پور، ۱۳۹۰/۹/۵).

تأثیر بر تقسیم حوزه نفوذ ترکیه و ج.ا. ایران

نفوذ در جهان عرب یکی از حوزه‌های مهم رقابت ایران و ترکیه است. برای این دو قدرت منطقه‌ای غیرعرب بسیار مهم است که جبهه قدرتمندی در میان کشورهای عربی داشته باشند. اختلافات بین ایران و اعراب باعث شده تا ترک‌ها در این بازی دست بازتری داشته باشند. عواملی چون توسعه پیوندهای تجاری و مواضع ضداسرائیلی اردوغان باعث شدند تا دولت حزب عدالت و توسعه در چند سال اخیر به یکی از دولت‌های محبوب در جهان عرب تبدیل گردد. این در حالیست که حوزه‌های نفوذ ایران بیشتر روی کشورهای عراق، سوریه، لبنان و فلسطین متمرکز بوده است. باحساسیت برخی دولت‌های عرب در مورد توسعه نفوذ ایران در جوامع عربی باعث شده برخی از آنها از جمله عربستان سعودی از ترکیه به‌عنوان آلترناتیوی برای دفع نفوذ ایران استفاده کنند. به این ترتیب، ترکیه به تدریج به کمپ دولت‌های عرب مخالف جمهوری اسلامی پیوسته است. ترکیه حتی به جبهه‌گیری در برابر دولت وقت عراق (نوری مالکی) پرداخت و مخالفان آن را به‌نحوی تحت حمایت قرار داد و به شمال عراق لشکرکشی کرد (عمادی، ۱۳۹۴: ۴۴).

بنابراین از دید غرب توسعه نفوذ ترکیه به‌مفهوم کاهش نفوذ ایران در جهان اسلام به‌ویژه در قیام‌های اخیر در کشورهای عربی خواهد بود. در حال حاضر منافع عربستان و ترکیه در سوریه با هم هم‌سو شده و هر دو کشور به‌دنبال سرنگونی حکومت بشار اسد در سوریه هستند تا در آنجا دولتی هم‌سو با سیاست‌های غرب بر سر کار آید. ترکیه به‌دنبال روی کارآوردن اخوانی‌ها در سوریه است که از نظر جهان بینی با حزب عدالت و توسعه نزدیک

هستند. ترکیه از یک طرف نقش رقابت با ایران را در خاورمیانه بازی می‌کند و از سوی دیگر سیاست همکاری و رقابت با جمهوری اسلامی را در پیش گرفته و ایران نیز به دنبال همکاری با ترکیه در حوزه منافع مشترک است (علایی، ۱۳۹۱/۱/۲۷).

تأثیر بحران سوریه بر امنیت ملی خارجی ج.ا. ایران

اهمیت و نقش راهبردی سوریه در مناسبات منطقه‌ای و بین‌المللی و همچنین رقابت‌های جغرافیایستی و معادلات راهبردی، بیشترین سهم را در ایجاد بحران این کشور دارند. به عبارت دیگر بی‌ثبات‌سازی سوریه، امتدادی از جنگ محورهاست که آوردگاه آن، پس از لبنان و فلسطین در جنگ‌های ۳۳ روزه و ۲۲ روزه، اکنون به سوریه منتقل شده است و ترکیه به همراه سایر کشورهای غربی به مقابله با دولت بشار اسد پرداخته است. بحران سوریه در راستای تأثیر بر امنیت ملی خارجی ایران شامل موارد زیر است.

الف- تضعیف محور مقاومت اسلامی و امنیت‌سازی برای رژیم صهیونیستی؛

ب- تضعیف عمق راهبردی ج.ا. ایران؛

ج- تضعیف قدرت و سیاست منطقه‌ای ج.ا. ایران؛

د- تهدید امنیت نظامی ایران.

تضعیف محور مقاومت و امنیت‌سازی برای رژیم صهیونیستی

مقام معظم رهبری^{مدظله العالی} در مورد اهداف نهایی آمریکا از تهدید سوریه، مقرر فرموده‌اند که «آنها (آمریکائی‌ها) برای منافع ملی ادعایی خود که در واقع منافع صهیونیست‌ها و سرمایه‌داران بزرگ است، حتی حاضر به آتش‌افروزی و پایمال کردن منافع کشورها و ملت‌های دیگر هستند» (بیانات در دیدار کارگزاران حج، ۹۲/۶/۲). به واقع، منافع رژیم صهیونیستی در میان اولویت‌ها و اهداف و منافع عالی ملی آمریکا قرار دارد (معاونت فرهنگی و تبلیغات دفاعی، ۱۳۹۲: ۳۱-۳۷).

ریشه اصلی حمایت ایران از سوریه برگرفته از ایستادگی و رشادت‌های ملت و نظام این کشور در حمایت از ملت فلسطین و آرمان جهان اسلام در راه مبارزه با صهیونیست‌ها است. جمهوری اسلامی ایران بحران سوریه را نتیجه مداخله خارجی و نقش بازیگران منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای از جمله ترکیه، عربستان سعودی، آمریکا و رژیم صهیونیستی دانسته و مواضع

عربستان، ترکیه و غرب را نشانه‌ای از یک توطئه بزرگ علیه محور مقاومت می‌بیند و معتقد است، عربستان با حمایت مالی از سلفی‌های مسلح و ترکیه با هماهنگی آمریکا در صدد هستند تا حکومت سوریه را که حلقه اساسی پیوند جمهوری اسلامی ایران و مقاومت در منطقه است سرنگون سازند. طبعاً چنین فرایندی تأثیر قابل توجهی بر آینده موقعیت منطقه‌ای ایران به جا خواهد گذاشت.

رهبر معظم انقلاب از ناآرامی‌ها در سوریه به‌عنوان یکی از گره‌های ذهنی یاد کرده و فرمودند: «واقعیت مسئله سوریه این است که جبهه استکبار قصد دارد حلقه وصل زنجیره مقاومت در منطقه را که در همسایگی رژیم غاصب صهیونیستی قرار دارد، نابود کند.» (روزنامه ایران: ۹۱/۱۱/۱۸).

آمریکایی‌ها و صهیونیست‌ها بارها اذعان کرده‌اند که سرنگونی نظام سوریه برابر با تضعیف مقاومت اسلامی و آسان شدن کار صهیونیست‌ها برای اشغال کامل فلسطین و سلطه بر منطقه است. زیرا رژیم صهیونیستی با توجه به نقشی که سوریه در حمایت از جریان‌های مقاومت طی سالیان اخیر داشته است، براین باور است که بحران‌ها و ناآرامی‌های داخلی موجب تضعیف سوریه و در نتیجه تضعیف جریان مقاومت شامل بازیگرانی چون ایران، سوریه، حزب‌الله لبنان و حماس می‌شود و ضربه بنیادین به جبهه مقاومت وارد خواهد کرد. در واقع، سوریه پل ارتباطی ایران با جبهه مقاومت است و تضعیف سوریه می‌تواند موجب کاهش قدرت مانور جبهه مقاومت و ایران شود. حتی برخی مقامات غربی و صهیونیستی این‌گونه اظهارنظر کرده‌اند که آنچه در سوریه اتفاق افتاده است، نتیجه آن را باید در داخل ایران دید. به اعتقاد بسیاری از کارشناسان، بحران سوریه قبل از آن که امتدادی از خیزش‌های مردمی و اسلامی باشد، معلول معادلات و مناسبات منطقه‌ای و بین‌المللی است که این کشور را به آوردگاه تازه‌ای برای رقابت‌های استراتژیک تبدیل نموده است (سراج، ۹۰/۹/۱۴).

تضعیف عمق راهبردی ج.ا. ایران

عمق راهبردی از اصطلاحات سیاسی است که دارای بار معنایی گسترده‌ای است. به‌طور کلی عمق راهبردی (یا حوزه نفوذ) به ابزارهای سیاسی، جغرافیایی، نیروی انسانی، اعتقادی،

نیروهای بالقوه و بالفعل دفاعی یک ملت و یک کشور برای دفاع از خود در مقابل توطئه‌ها و دسیسه‌های کشورهای متخاصم گفته می‌شود.

آنچه درباره جمهوری اسلامی ایران اهمیت دارد عمق راهبردی آن در جهان و منطقه خاورمیانه و کشورهای همسایه است. قرار گرفتن ایران در منطقه حساس و راهبردی خاورمیانه و خلیج فارس و از طرفی اعتقادات دینی پشتوانه مردمی نظام و حمایت از محرومان و مستضعفان جهان این اهمیت را دوچندان می‌سازد. آمریکا و غرب برای جلوگیری از نفوذ ج.ا. ایران سناریوهای گوناگونی را پیاده کرده‌اند تا از نفوذ آن و گسترش عمق راهبردی ج.ا. ایران در جهان و منطقه جلوگیری کنند. "ایران هراسی" یکی از آن سناریوهایی است که در حال حاضر رژیم صهیونیستی و حتی اتحادیه اروپا در صدد آن هستند تا خطر نفوذ ایران را به عنوان کشوری تأثیرگذار بر ملت‌های سلطه‌ستیز القاء کنند (وفایی، ۱۳۸۸: ۲۶).

جمهوری اسلامی ایران با توجه به سیاست‌ها و خط‌مشی‌های خود که استفاده از قدرت شگرف افکار عمومی جهان و به‌ویژه افکار عمومی کشورهای اسلامی است، توانسته است عمق راهبردی خود را به‌نحو گسترده‌ای توسعه دهد؛ به‌گونه‌ای که رهبر معظم انقلاب اسلامی فرمودند:

«استکبار می‌داند که دل‌های مردم در بسیاری از کشورهای اسلامی از شمال آفریقا تا شرق آسیا با جمهوری اسلامی ایران است و عمق سیاسی و راهبردی ایران اسلامی محسوب می‌شود.»

معظم‌له درباره سوریه فرمودند: «سوریه عمق راهبردی جمهوری اسلامی ایران است.» (بیانات مقام معظم رهبری، ۷۶/۱۱/۱۴)

هم‌اکنون این عمق راهبردی شامل کشورها و ملت‌های گسترده‌ای از منطقه و دیگر نقاط جهان می‌شود. ملت‌های مسلمان منطقه به‌خوبی می‌دانند که جمهوری اسلامی ایران به‌خاطر ماهیت سلطه‌ستیزی، حامی کشورها و ملت‌هایی است که تحت ستم و اشغال هستند. هم‌اکنون عمق راهبردی ایران از سمت غرب تا نوار غزه در فلسطین اشغالی رسیده و درکنار آن حزب‌الله لبنان و سوریه را نیز شامل می‌شود و البته دیگر کشورهای منطقه نیز در این روند می‌گنجد.

سوریه در صدر گروه‌های حامی مقاومت و در واقع خاکریز اول مقاومت و سیاست‌های ج.ا. ایران در منطقه و جهان در مقابل آمریکا و رژیم صهیونیستی بوده است. در صورت سرنگونی دولت بشار اسد، حکومت بعدی در نقطه مقابل سیاست‌های آن قرار گرفته و بعید است رابطه دوستانه‌ای با ج.ا. داشته باشد.

سوریه در زمره کشورهای منطقه‌ای محسوب می‌شود که نقش به‌سزایی در افزایش قدرت راهبردی ایران در شرق مدیترانه داشته است در حالی که پیوندهای راهبردی ایران و سوریه در چهارچوب جبهه مقاومت تداوم یافته است. سوریه به‌عنوان بخشی از جریان مقاومت همواره متحد استراتژیک ایران در منطقه در طول ۳۵ سال گذشته بوده است.

این کشور به‌عنوان حلقه رابط عناصر جبهه مقاومت (حزب‌ا... و حماس) با جمهوری اسلامی ایران هدف اصلی تهاجم نرم و سخت دشمنان مقاومت اعم از آمریکا، اروپا، رژیم صهیونیستی، ارتجاع عرب و ترکیه قرار گرفته و از طرفی غرب در راهبردی هماهنگ با کشورهای مرتجع عربی و ترکیه در حال اجرای تلاش برای جایگزینی هلال اخوانی با هلال شیعی (به تعبیر پادشاه اردن) در منطقه است (بهرامی، ۱۳۹۱/۶/۲۴).

تضعیف قدرت منطقه‌ای ایران

هرگونه تحول در ساختار سیاسی سوریه منجر به تغییر در موازنه قدرت منطقه‌ای و جایگاه ژئوپلیتیکی ایران می‌گردد. راهبردها و سیاست‌های منطقه‌ای و بین‌المللی دولت سوریه طی چند دهه اخیر در بسیاری از تحولات و رخدادها در حد مطابقت تمام عیار به راهبردها و سیاست‌های منطقه‌ای ایران نزدیک بوده و به‌همین منظور، جانبداری تهران از دولت سوریه در بحران کنونی یک ضرورت راهبردی است. سوریه به‌جز روابط دو جانبه راهبردی با جمهوری اسلامی ایران، سال‌های زیادی نقش دروازه ورود ایران به جهان عرب را هم به عهده داشته است. از سوی دیگر، سوریه نقش حیاتی در اتصال راهبردی ایران به منطقه مدیترانه و خاور نزدیک دارد (متقی، ۱۳۹۲: ۴۴-۳۳).

تضعیف جمهوری اسلامی از طریق تخلیه ظرفیت‌های جغرافیایستی ایران، تحریم‌های گسترده اقتصادی و کاهش نفوذ منطقه‌ای جمهوری اسلامی صورت می‌گیرد. ترکیه برای پیشبرد اهداف غرب در منطقه از حمایت کشورهای غربی به خصوص ایالات متحده برخوردار

گردید. شاید بتوان گفت بخشی از سیاست‌های آمریکا در رابطه با موج تحولات جهان عرب در منطقه توسط ترکیه و عربستان سعودی اجرا می‌گردد (برزگر، ۱۳۹۱/۱/۲۸).

سیاست‌هایی که غرب و هم‌پیمانانش (ترکیه) در منطقه در مورد سوریه به‌کار گرفته است، باعث شده تا فشارها بر ایران افزایش یابد، یکی از اهداف اصلی ترکیه و غرب در سوریه قطع محور استراتژیکی است که ایران را به لبنان، فلسطین و دریای مدیترانه متصل می‌سازد؛ از این رو قرار دادن سوریه در حالت هرج و مرج، تاکتیکی از سوی غرب در جنگ با ایران محسوب می‌شود (عامری ثقفی، ۱۳۹۰/۱۲/۱۸).

جنگ سوریه را می‌توان یک نمونه جنگ نیابتی دانست که در آن قدرت‌های جهانی نظیر روسیه با حمایت از دولت قانونی سوریه و عربستان، قطر، ترکیه، آمریکا، انگلستان و فرانسه با حمایت از گروه‌های مختلف تروریستی سعی در تضعیف غیرمستقیم دولت‌های رقیب یا حفظ و افزایش دامنه نفوذ خود در این کشور می‌کنند (گلوبال ریسرچ June 29, 2014).

افزایش نقش منطقه‌ای (سیاسی، اقتصادی و فرهنگی) ترکیه سناریویی برای خنثی کردن نقش روبه‌رشد ج.ا. ایران و تفکر اسلامی انقلابی حاکم بوده که علی‌رغم فشار سیاسی، اقتصادی، تبلیغاتی و جنگ روانی، به‌طور روزافزون در منطقه به‌ویژه در جهان عرب در حال گسترش است، بنابراین غرب و کشورهای مدعی رهبری جهان عرب (عربستان) به‌ناچار با چراغ سبز نشان دادن و تقویت نقش ترکیه با حاکمیت دولت اسلام‌گرای فعلی در صدد ارائه الگویی از دولت اسلامی قوی و معتدل به‌ویژه به افکار عمومی عربی است. گرچه این الگو مورد دلخواه و مطلوب غرب نیست، اما کم‌هزینه‌ترین گزینه برای کنترل ج.ا. ایران است (متقی، ۱۳۹۲: ۴۴-۳۳).

دولت ترکیه تلاش می‌کند مانع تقویت توازن قدرت منطقه‌ای به نفع جمهوری اسلامی ایران شود. پس از توافقات هسته‌ای میان ایران و ۵+۱ (برجام) و از بین رفتن راهبرد ایران هراسی، دولت‌های غربی و آمریکا نقش‌آفرینی فعال ایران در بحران سوریه را پذیرفته و از ج.ا. ایران در نشست‌های بحران سوریه دعوت به‌عمل‌آورند. در بیانیه ۹ ماده‌ای نشست وین ۲ درباره سوریه، با وجود تلاش زیاد کشورهای نظیر ترکیه برای تعیین سرنوشت بشار اسد، با مخالفت قاطع هیئت ایرانی و روسی صحبتی از سرنوشت اسد صحبتی به میان نیامد تا اثبات

شود وزن جمهوری اسلامی ایران در سیاست منطقه‌ای افزایش یافته است. در این بین دولت اردوغان برای تضعیف قدرت منطقه‌ای ج.ا. ایران در قبال بحران سوریه ضمن حمایت آشکار از مخالفین بشار اسد، مجوز استقرار نیروهای مشترک عربی تحت رهبری عربستان سعودی در پایگاه نظامی اینجریلیک را داد تا در صورت بن‌بست مذاکرات با همکاری ناتو برای سرنگونی دولت بشار اسد اقدام نمایند (عمادی، ۱۳۹۴: ۴۴).

در مورد تأثیر تضعیف ج.ا. ایران از طریق بی‌ثبات کردن سوریه و رابطه آن با راهبردهای آمریکا در وضعیت جاری، باید این نکته را مدنظر داشت که آمریکا از این امر به عنوان تقاطع راهبردهای ضد مقاومت و راهبردهای ضدایرانی استفاده نموده است. در واقع آمریکا از وضعیت سوریه به عنوان میانبر بهره گرفته تا بتواند به صورت غیرمستقیم امنیت و قدرت جمهوری اسلامی ایران در منطقه را در ابعاد مختلف نرم و سخت تضعیف نماید. راهبرد ویژه آمریکا علیه قدرت منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران، جغرافیایستی زدائی است. در راهبردهای دفاعی و امنیتی آمریکا در سال‌های اخیر به‌ویژه سال جاری میلادی، هنگامی که محیط امنیتی خاورمیانه توصیف می‌شود، کشورمان به منزله اصلی‌ترین تهدید در این محیط برای آمریکا عنوان گردیده که به همین دلیل، مستوجب هدف‌گیری امنیتی مستقیم و همچنین تضعیف از طریق قطع ارتباط راهبردی با جنبش مقاومت و دولت‌های حامی آن قلمداد شده است. در اسناد راهبردی آمریکا تصریح شده که: «تلاش‌های دفاعی آمریکا در خاورمیانه، با هدف مقابله با افراطی‌های خشونت‌طلب و خنثی‌سازی تهدیدها و همچنین تأیید الزامات نسبت به دولت‌های متحد و شرکاء خواهد بود. در این میان، نگرانی ویژه آمریکا گسترش موشک‌های بالستیک و سلاح‌های کشتار جمعی است. سیاست و خط‌مشی ایالات متحده بر امنیت خلیج فارس، با هماهنگی اعضای شورای همکاری خلیج فارس در مواقع لزوم تأکید خواهد کرد تا از مجرای آن، از توسعه و ایجاد یک توان و قابلیت تسلیحات هسته‌ای در ایران جلوگیری و با سیاست‌های بی‌ثبات‌کننده این کشور مقابله کند (معاونت فرهنگی و تبلیغات دفاعی، ۱۳۹۲: ۳۱-۳۷).

تهدید امنیت نظامی ج.ا. ایران

جمهوری اسلامی ایران از نخستین روزهای پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۹۷۹ تاکنون در سوریه مصالح حیاتی خود را دنبال کرده و حمایت تمام عیار از نظام سوریه داشته و همه

تلاش خود را بر حفظ پیمان استراتژیک با سوریه متمرکز ساخته است؛ زیرا ایران از این هم‌پیمانی منافع بسیاری به‌دست آورده است و در حال حاضر با توجه به تهدیدات موجود نمی‌تواند شاهد مخدوش شدن این هم‌پیمانی شود. ولی سیاست ترکیه در قبال سوریه در ادامه سیاست‌های کلان این کشور بوده و سمت و سوی سیاست خاورمیانه‌ای ترکیه همراهی کردن غرب و تلاش هماهنگ این کشور با اعراب و غرب تحت فرماندهی آمریکا برای ساقط کردن دولت سوریه پیش می‌رود تا زمینه محدود کردن حزب‌الله و تقویت ضریب امنیتی رژیم صهیونیستی فراهم گردد و منطقه را به سمت تفرقه و نهایتاً درگیری‌های داخلی احزاب و درگیری‌های قومی - مذهبی در لبنان و عراق پیش برده تا مسیرهای حمله و درگیری نظامی علیه ج.ا. ایران تسهیل گردد.

مرز تضاد جغرافیایستی در روابط ایران و ترکیه در بحران سوریه "دخالت نظامی" از سوی ترکیه یا ناتو است.

البته استقرار سپر دفاع موشکی ناتو در ترکیه، همراهی و همسوئی این کشور با جهان غرب و به‌ویژه آمریکا در تحولات کشورهای عربی و موضع ترکیه در قبال بحران سوریه موجب نارضایتی ایران شده است (نامه دفاع، ۱۳۹۱: ۶).

اقدام نظامی علیه سوریه، دامنه ناآرامی‌ها در این کشور را گسترده‌تر می‌کند و آتشی که با اقدام نظامی علیه سوریه برافروخته می‌شود دامن آنکارا و تهران را هم می‌گیرد. اقدام نظامی علیه سوریه ساختار قومی در منطقه را به هم می‌زند و تحرکات مخالفان کرد در منطقه علیه ترکیه را هم افزایش می‌دهد. عناصر رژیم صهیونیستی از طریق خاک ترکیه به منظور جاسوسی علیه ایران استفاده می‌کنند و آمریکا نیز از طریق پایگاه‌های نظامی و موشک‌های دفاعی خود در ترکیه در جنگ احتمالی علیه ایران استفاده خواهد نمود (علایی، ۱۳۹۱/۱/۲۷).

هم‌اکنون مرزهای جغرافیایستی ایران در محاصره پایگاه‌های نظامی کشورهای عضو پیمان آتلانتیک شمالی قرار دارد. بیش از ۵۰ پایگاه امنیتی نظامی و عملیاتی اعضای ناتو حوزه جغرافیایستی ج.ا. ایران را محاصره نموده‌اند (نامه دفاع، ۱۳۹۰: ۲). این امر موجب افزایش تهدید علیه کشورمان گردیده و افزایش حضور ناتو در مناطق همجوار ج.ا. ایران به معنای افزایش فرصت جاسوسی، خرابکاری و براندازی است.

هر تحرکی از ناتو به سمت شرق یک گام تهدیدآمیز نظامی به‌شمار می‌آید. همراهی ترکیه با کشورهای غربی در بحران سوریه، گسترش نظامی ایران به منطقه را با هزینه‌های زیاد روبه‌رو می‌سازد و ج.ا. ایران برای مقابله با اقدامات ناتو باید دست به اقدامات تدافعی بزند (نامه دفاع، ۱۳۹۰: ۲). این اقدامات مستلزم تأمین بودجه و نیروی نظامی و تلفات معنوی و مادی و در نتیجه تهدید امنیت نظامی ایران در منطقه و سوریه است.

نتیجه‌گیری

هرگونه تهدید سوریه از سوی ترکیه و غرب (ناتو) در ج.ا. ایران این‌گونه نگاه می‌شود که ترک‌ها یکی از هم‌پیمانان جمهوری اسلامی ایران را تهدید کرده‌اند و این تهدیدی علیه منافع جمهوری اسلامی محسوب می‌شود چراکه هرگونه حمله نظامی به سوریه از خطوط قرمز جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌شود؛ چون جمهوری اسلامی ایران معتقد است آمریکا، رژیم اشغالگر قدس، ترکیه با هدف تضعیف مؤلفه‌های امنیت ملی خارجی ایران به دنبال حذف حاکمیت سوریه هستند. بنابراین سیاست خارجی ایران به هیچ عنوان نمی‌تواند نسبت به تحولات سوریه که می‌تواند در سرنوشت معادلات منطقه و به هم خوردن احتمالی موازنه امنیتی به ضرر ایران تعیین کننده است، بی تفاوت باشد.

آمریکا و کشورهای غربی همواره نگران امنیت رژیم صهیونیستی هستند و می‌توان گفت بحران سوریه در راستای تضعیف محور مقاومت و امنیت‌سازی برای رژیم صهیونیستی صورت گرفته است و در این بین تلاش شده تا از نقش بازیگری ترکیه در منطقه و در همسایگی سوریه استفاده حداکثری به عمل آید. ترکیه با اتخاذ سیاست پیروی از غرب علیه سوریه و با همکاری برخی دول مرتجع عرب مستقیماً وارد بحران سوریه گردیده و با سازماندهی مخالفین، آموزش، تسلیح و ... گروه‌های مسلح سوریه به تشدید بحران در سوریه کمک می‌نماید و تلاش می‌کند تا ضمن کشاندن پای ناتو به این بحران، قدرت‌های بزرگ فرامنطقه‌ای را در سوریه درگیر نماید و امنیت ملی خارجی ایران را تهدید کند.

راهبرد منطقه‌ای آمریکا و هم‌پیمانان منطقه‌ای این کشور از جمله ترکیه و عربستان، تغییر خط برخورد جهان اسلام با رژیم صهیونیستی به خط جهان اسلام با ج.ا. ایران از طریق چالش‌های مذهبی، ایجاد گروه‌های تکفیری و ایجاد بحران در کشورهای هم‌پیمانان جمهوری اسلامی

ایران است. آمریکا معتقد است با سرنگونی نزدیک‌ترین متحد منطقه‌ای ایران، می‌تواند نفوذ منطقه‌ای جمهوری اسلامی را تضعیف کند؛ به این ترتیب که به محور قدرت تهران-بغداد-دمشق-حزب الله که از ایران تا مدیترانه کشیده شده و عبدالله، شاه اردن، آن را خشمگینانه «هلال شیعی»^۱ خوانده، ضربه بزند. آمریکا و غرب با کمک برخی کشورهای منطقه از جمله ترکیه و عربستان به دنبال تجزیه سوریه هستند تا این کشور را از یک پایگاه محوری مقاومت به یک کشور در دست سیاست آمریکا و رژیم صهیونیستی و اروپایی‌ها تبدیل نمایند و در واقع ادامه پروژه ایران هراسی بوده تا با ایجاد فضای تهدید و ترس در منطقه با ترساندن کشورهای همسایه ایران ضمن رونق بازار رقابت تسلیحاتی در کشورهای حاشیه خلیج فارس بر ج.ا. ایران و متحدان این کشور در قبال بحران سوریه مانند روسیه فشار آورده تا از مواضع خود عقب‌نشینی کرده و بر تغییر نظام بشمار اسد در سوریه رضایت دهند.

هدف اصلی ائتلاف غربی-عربی از افزایش فشارها بر سوریه ایجاد تغییرات جغرافیایستی در منطقه است. هرچند کشورهای غربی و عربی دلیل این امر را خودکامگی رژیم اسد، رعایت نمودن حقوق بشر و کشتار مخالفان می‌دانند. روند تحولات منطقه نشان می‌دهد که غرب تلاش دارد تا کشورهای اسلامی را رودرروی هم قرار دهد، درحالی‌که برخی از کشورهای عربی نیز برای حفظ قدرت خود در کنار غرب قرار گرفته و به این چالش‌ها دامن می‌زنند. غرب تلاش دارد تا کشورهای منطقه را در جنگی فرسایشی گرفتار سازد تا تضعیف تمام منطقه را رقم زند تا در نهایت طرح خود برای سلطه بر آنها و حتی تجزیه آنان را اجرایی سازد. به‌همین دلیل است که کشورهایی همانند روسیه و چین تلاش دارند تا جلوه‌ای دیگر از موازنه تهدید را سازماندهی نمایند. ضرورت‌های موازنه تهدید دو قدرت بزرگ جهانی در شورای امنیت ایجاب می‌کند که آمریکا نتواند نقش سلطه‌جویانه خود را در سیاست بین‌الملل و امنیت منطقه‌ای خاورمیانه تثبیت نماید.

در صورتی‌که سامانه اطلاعاتی غرب به این برآورد برسد که حزب‌ا... و حماس در قبال حمله به سوریه اقدامی نکرده و ج.ا.ا نیز در زمینه گسترش جنگ و بستن تنگه هرمز اقدام نخواهد کرد و غرب در قضیه اوکراین با سوریه معامله کند آن‌موقع تهاجم نظامی ناتو به‌منظور کنترل

1. Shiite Crescent

اوضاع پس از سقوط دولت سوریه و جلوگیری از دستیابی عناصر سلفی و القاعده به حکومت دور از انتظار نیست. با کنار رفتن بشار اسد، امنیت ملی خارجی ج.ا. ایران کاهش می‌یابد و این موضوع قابلیت مبتنی بر بازدارندگی ایران در سیاست منطقه‌ای را کاهش خواهد داد. قابلیت‌های راهبردی ایران در لبنان و سوریه را می‌توان محور اصلی قدرت بازدارندگی ایران در مدیترانه شرقی دانست. سیاست بازدارندگی ایران که جنگ علیه کشورمان را در مرزها به سوریه منتقل کرده است، زیرا آمریکا قصد دارد با پیروزی معارضین در سوریه و اتحاد آنها با معارضین عراق و رسیدن به مرزهای ایران، جنگ نیابتی جدیدی را بر ایران تحمیل کند و ضمن نابود کردن نیروهای انسانی و تأسیسات زیربنایی ایران، امنیت رژیم صهیونیستی را تأمین نمایند. مقام معظم رهبری درباره آن می‌فرمایند: «اگر رزمندگان ما در سوریه با دشمن نجنگند باید در مرزهای کرمانشاه و ... با آنها بجنگند.» در این بین در صورت آغاز هر نوع جنگی علیه ج.ا. ایران حوزه درگیری‌های نظامی ایران و غرب بسیار فراگیرتر از مرزهای جغرافیایی کنونی ایران خواهد بود. مواضع اخیر ترکیه، منجر به جبهه‌بندی جدید و تضعیف همکاری‌ها بین ایران و ترکیه در چهارچوب صلح و امنیت منطقه‌ای شده و تداوم چنین سیاستی به ضرر صلح و امنیت منطقه‌ای و بین‌المللی است. تنها راه‌حل پیشنهادی بحران سوریه، راه‌حل سیاسی با در نظر گرفتن منافع بازیگران اصلی، منطقه‌ای و بین‌المللی با میانجیگری سازمان ملل متحد است تا نوعی تعادل بین منافع همه بازیگران از ایران و ترکیه ایجاد نماید. لازم است ج.ا. ایران برای اجرای طرح صلح در سوریه با جامعه بین‌المللی تعامل داشته باشد و از ظرفیت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی موجود برای این هدف نیز استفاده کند.

منابع

۱. احدی، محمد. (۱۳۹۱). بیداری اسلامی (بررسی تحولات سوریه)، *فصل نامه نگاه ۲*، تهران: انتشارات مرکز پژوهشی شهید سپهبد صیاد شیرازی، ص ۲۹-۱۸.
۲. احدی، محمد. (۱۳۹۲). بحران سوریه، تغییر موازنه و روند آن، *فصل نامه نگاه ۲*، تهران: انتشارات مرکز پژوهشی شهید سپهبد صیاد شیرازی، شماره ۲۵، ص ۵۴-۳۱.
۳. احمدیان، امیر. (۱۳۹۱). نقش تأثیرگذار ترکیه در تحولات خاورمیانه، تهران، *روزنامه همشهری دیپلماتیک*.
۴. بهرامی، محمد، (۱۳۹۰)، نقش ترکیه در تحولات خاورمیانه و سوریه، *فصل نامه رهنما سیاست گذاری*، تهران: انتشارات مجمع تشخیص.
۵. بهرامی، محمد. (۹۱/۱/۲۰). بین ایران و ترکیه چه می گذرد؟ *خبرگزاری کردپرس*.
۶. بهرامی، محمد. (۹۱/۶/۲۴). سیاست خارجی ترکیه و تحولات شمال آفریقا و خاورمیانه، *خبرگزاری کردپرس*.
۷. برزگر، کیهان. (۹۰/۱۲/۲۱). *بررسی روابط ایران و ترکیه در پرتو تحولات جهان عرب*، تهران، انتشارات پژوهشکده مطالعات استراتژیک خاورمیانه.
۸. برزگر، کیهان. (۱۳۹۱/۱/۲۸). همکاری واقع گرایانه- رویکرد جدید ترکیه در خاورمیانه، *خبر آنلاین*.
۹. بهشتی پور، حسن. (۱۳۹۰/۹/۵). *دورنمای مناسبات ایران و ترکیه*، مرکز بین المللی مطالعات صلح IPSC.
۱۰. پایگاه اینترنتی شفاف نیوز. (۹۴/۱/ ۲۴). *موقعیت ایران و ترکیه در تحولات سوریه*.
۱۱. پایگاه اینترنتی جوان آنلاین. (۱۳۹۴/۷/۱۵). *مقاله تحلیلی رضا حجت*
<http://javanonline.ir/fa/news>
۱۲. *روزنامه کیهان*. (۱۳۹۲/۸/۴). سوریه- ایران و بازی بزرگ، بازی باخت باخت ترکیه در شطرنج سوریه.
۱۳. پایگاه اینترنتی اشراف. (۱۳۹۴/۰۴/۲۹). پیامدهای مثبت و منفی عملیات نظامی ترکیه در سوریه
۱۴. *روزنامه آیدنلیک*. (۹۴/۱۱/۶). کمک تسلیحاتی آمریکا به تروریست ها از طریق پایگاه اینجریلیک ترکیه، چاپ ترکیه
۱۵. *روز نامه کیهان*. (۱۳۹۵/۳/۸). اسناد کمک های ترکیه به داعش روی میز دبیرکل سازمان ملل

۱۶. روزنامه ایران. (۱۳۹۵/۳/۴). ترکیه مأمن شورشیان سوریه.
۱۷. حسینی تقی آباد، مهدی. (۹۴/۱۱/۷). تحلیل اوضاع منطقه، روزنامه همشهری دیپلماتیک.
۱۸. سراج، رضا. (۹۰/۹/۱۴). مرکز آینده پژوهی و مطالعات راهبردی، پایگاه تحلیلی تبیینی برهان.
۱۹. شریفیان، جمشید، کبیری، اباصلت و طحان منش، علیرضا (۱۳۹۱)، تعامل و تقابل ایران و ترکیه در بحران سوریه، فصل نامه امنیت پژوهی، تهران، شماره ۳۸، ص ۱۸۴-۱۳۹.
۲۰. عامری، ناصر ثقفی. (۱۳۹۰/۱۲/۱۸). ملاحظات راهبردی ایران، روسیه و چین در بحران سوریه، تهران: انتشارات معاونت پژوهشهای سیاست خارجی.
۲۱. عالم، ریحانه. (۱۳۹۱). جایگاه خاورمیانه در سیاست خارجی ترکیه، ماهنامه اطلاعات راهبردی، تهران: انتشارات مرکز تحقیقات راهبردی دفاعی، معاونت پژوهش، سال دهم، شماره ۱۱۰.
۲۲. عباسی، مجید، حبیبی، سیدمهدی، پارسا، سارا. (۱۳۹۰). نظریه موازنه تهدید، تهران، فصلنامه رهیافت انقلاب اسلامی، سال هفتم، شماره ۲۴.
۲۳. عبدالله خانی، علی. (۱۳۸۹). نظریه های امنیت، تهران، انتشارات ابرار معاصر، جلد ۱.
۲۴. علائی، حسین. (۱۳۹۱/۱/۲۷). ایران و ترکیه؛ واگرایی یا همگرایی، روزنامه جمهوری اسلامی.
۲۵. عمادی، سید رضی. (۱۳۹۴). علل و پیامدهای سیاست منطقه ای تنش آمیز ترکیه، مجله صف، تهران، انتشارات معاونت فرهنگی و روابط عمومی ارتش ج.ا.ا، شماره ۴۱۶.
۲۶. قنبرلو، عبدالله. (۱۳۹۰). ریشه ها و چشم انداز اعتراضات سوریه: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۲۷. مرکز تحقیقات راهبردی دفاعی. (۱۳۹۰). پیامدهای حضور ناتو در محیط امنیتی ج.ا. ایران، ماهنامه نامه دفاع، تهران: انتشارات مرکز تحقیقات راهبردی دفاعی، شماره ۲.
۲۸. مرکز تحقیقات راهبردی. (۱۳۹۱). گسترش ناتو به خاورمیانه و مدیترانه شرقی، ماهنامه نامه دفاع، تهران: انتشارات مرکز تحقیقات راهبردی، شماره ۶.
۲۹. متقی، ابراهیم. (۹۲/۲/۲۳). بررسی ابعاد رهیافت مقاومت در نظام بین الملل، تهران، پایگاه تحلیلی تبیینی برهان.
۳۰. متقی، ابراهیم. (۱۳۹۲). تأثیر تحولات سوریه بر موازنه قدرت و جایگاه منطقه ای جمهوری اسلامی ایران، تهران، فصل نامه نگاه ۲، شماره ۲۱/ ص ۳۳-۴۴.
۳۱. محمدی، هادی. (۱۳۹۲/۱۱/۹). تحلیلی بر اوضاع سوریه، تهران، شبکه ۲ سیمای ج.ا. ایران.

۳۲. محمدی، مهدی. (۱۳۹۳/۱۱/۱۲). تحولات سوریه و معادله امنیت ملی ایران، تهران، پایگاه اینترنتی پرسمانی، نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها، معاونت آموزشی و پژوهشی استادان معارف.
۳۳. معاونت اطلاعات نراجا، (۱۳۹۴-۱۳۹۰)، بولتن‌ها، تحلیل و گزارشات اطلاعاتی در خصوص اوضاع سوریه، تهران، ستاد نراجا.
۳۴. مشیرزاده، حمیرا، (۱۳۸۴)، تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل، تهران: انتشارات سمت.
۳۵. معاونت فرهنگی و تبلیغات دفاعی، (۱۳۹۲)، ناکامی آمریکا در برابر جلوه‌های قدرت نرم جبهه مقاومت، تهران: انتشارات معاونت فرهنگی و تبلیغات دفاعی کانون تفکر ایران.
۳۶. وفایی، محمد، (۱۳۸۸)، عمق راهبردی ج.ا. ایران، فصلنامه نگاه ۲، تهران: انتشارات مرکز پژوهشی شهید سپهبد صیاد شیرازی، شماره ۳.
۳۷. ولدبیگی، آرام، (۹۴/۹/۱۷)، دکترین دو ستونی، سیر سیاست خارجی ترکیه در بحران سوریه، تهران، خبرگزاری فارس.